

کسی را که هیچ حقی ندارد، زودتر از کسی که نیمی از حق به جانب اوست، می‌توان قانع کرد.

www.mandegardaily.com

سال ششم: شماره ۱۴۷۵: چهارشنبه ۲۲ دلو/ بهمن ۱۳۹۳: ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۹۶: ۱۱ فروری ۲۰۱۵

شناس‌نامه‌های الکترونیکی و جایگاه شتر



در فرهنگ ما و بسیاری از فرهنگ‌های دیگر، «شتر» بیشتر بر زنده‌گی بادیه‌نشینان و صحرانوردی دلالت می‌کند. «شتر» در میان حیوانات، از مقاوم‌ترین حیوانات در برابر گرما و سرما و گرسنگی و تشنگی است که به همین جهت هم از آن برای حمل و نقل در بیابان‌ها و صحراهای خشک استفاده می‌کنند. شاید بتوان گفت که این حیوان با این اوصاف، نقطه مقابل زنده‌گی متمدن شهری و توسعه‌یافته است. درج نماد شتر بر شناس‌نامه‌های الکترونیکی نه تنها مایه فخر و مباحثات نمی‌تواند باشد، بلکه مایه سرافکنده‌گی اهالی یک سرزمین دارای تمدن تاریخی هم تلقی می‌شود.

صفحه ۶

هشدار از سقوط رییس جمهوری به دامن پاکستان



خرسندی بی‌پیشینه یک مقام پاکستانی از اشرف غنی

رای زنی بر سر پروژه تاپی

اسلام آباد امروز میزبان ترکمنستان، هند و افغانستان است

مقام‌های کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکمنستان و هند امروز چهارشنبه نوزدهمین نشست خود در مورد پایپ لاین گاز تاپی را در اسلام آباد پایتخت پاکستان برگزار می‌کنند. قرار بود کار ایجاد این پایپ لاین در ۲۰۱۵ شروع شود. این جلسه مقام‌های چهار کشور به تاریخ یازدهم و دوازدهم فروری برای دو روز ادامه می‌یابد. بحث‌ها بر سر انتقال گاز از ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و هند از سال ۲۰۰۲ آغاز شد. در این مدت تحقیقاتی در مورد این پروژه انجام شده و مقام‌های چهار کشور در تلاش آغاز کار عملی آن هستند. این پروژه از ترکمنستان آغاز و با عبور از افغانستان و پاکستان، گاز ترکمنستان را به هند می‌رساند. مقام‌ها در وزارت معادن و پترولیم افغانستان می‌گویند



قرار است در این جلسه برای آغاز کار عملی این پروژه کمپنی توتال فرانسه نیز مذاکره شود. مقام‌های چهار کشور توانمندی‌های چندین کمپنی و کنسرسیوم را مطالعه کرده اند. بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت معادن افغانستان، نمایندگان کشورهای دخیل در پروژه به این نتیجه رسیده اند که کمپنی توتال، از توانایی‌ها و قابلیت‌های بهتری نسبت به سایر کمپنی‌ها برخوردار است ولی هنوز توافقنامه نهایی با این کمپنی امضا نشده است. محمد رفیع رفیق، صدیقی سخنگوی وزارت معادن افغانستان روز سه شنبه (۲۱/۱۰ فروری) در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «در این جلسه روی دو مساله بسیار عمده توافق می‌شود. در ابتدا بحث روی قبولی کمپنی توتال

ادامه صفحه ۶

چرا نباید به پاکستان اعتماد کرد؟



ظاهراً فرستادن افسران ارتش افغانستان برای آموزش به پاکستان نشان‌دهنده گرم شدن مناسبات دو دولت است، اما تحلیلگران می‌گویند هنوز سیاست کهنه پاکستان در قبال افغانستان تغییر نکرده و پاکستان باید اقدام‌های بیشتری انجام دهد. حکومت افغانستان برای چندین سال همسایه‌اش پاکستان را به پناه دادن به طالبان و حمایت از آنها برای شعله ور ساختن شورشگری در افغانستان متهم کرده است. حامد کرزی رییس جمهور پیشین کشور به صورت قاطع از نظامیان پاکستانی و سازمان استخبارات پاکستان (ای اس آی) به دلیل آنچه حمایت از طالبان و سازمان‌دهی حملات در افغانستان عنوان می‌کرد، شدیداً انتقاد می‌نمود. اسلام آباد این اتهامات را همواره رد می‌کرد. اما به نظر می‌رسد که حکومت جدید افغانستان می‌خواهد شانس به شروع تازه در مناسبات با پاکستان بدهد. شش افسر ارتش ملی افغانستان فعلاً در اکادمی نظامی کاکول در شهر شمالی ایبیت آباد پاکستان آموزش نظامی می‌بینند. ارتش پاکستان این افسران را برای ۱۸ ماه آموزش یک دهه گذشته خیلی...

ادامه صفحه ۶

سازمان ملل: طالبان شبیه به تبهکاران عمل می‌کنند



کارشناسان سازمان ملل اعلام کردند، طالبان بیشتر شبیه به تبهکاران عمل می‌کنند. به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، این هیأت کارشناسان گفت، طالبان که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی زمام امور افغانستان را به عهده داشت فعالیت‌های تبهکارانه و خلاف خود را از جمله قاچاق مواد...

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



چرا بر اجرای مو به موی توافق‌نامه سیاسی تأکید می‌کنیم؟

اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



«دولت اسلامی» در بزرگ‌ترین زندان نیویورک

رنال مادرید؛ از آسمان به زمین



احمد عمران

چرا بر اجرای مو به موی توافق‌نامه سیاسی تأکید می‌کنیم؟



نکرده، چه‌گونه می‌تواند نگران آینده نباشد؟ بختک طالبان همواره وجود داشته و حالا به داعش نیز آراسته شده است. اگر سیاست‌گران کشور دچار کمترین اشتباهی شوند، بدون تردید فاجعه تاریخی رخ خواهد داد.

بیداری رهبران سیاسی، برای مردم حیاتی است. در انتخابات سال روان شاهد بودیم که افغانستان روزهای دشوار را چه‌گونه تجربه کرد. روی لبه تیز خطر راه رفتن، هراس‌انگیز است. افغانستان بارها روی لبه تیز خطر راه رفته و گاه در دره‌ی بی‌وحدت سقوط کرده است. امروز هم وقتی واقع‌بینانه به رویدادها نگاه کنیم، لبه تیز خطر را می‌شود حس کرد. دو تیم انتخاباتی که مکلف به تشکیل دولت واحد شدند، مشکلات خود را بیشتر از دیگران حس می‌کنند. در چهار ماه گذشته، رهبران دولت وحدت ملی قادر به ساختن کابینه نشدند. شاید ماه‌های دیگری باید منتظر بود که دست‌کم قوه مجریه تکمیل شود. قوه قضاییه هنوز در بی‌سرنوشتی به‌سر می‌برد و به پایان کار قوه مقننه هم چیزی نمانده است.

کوهی از مشکلات خرد و بزرگ پیش روی رهبران دولت قرار گرفته است. اختلاف‌نظرها هم که کم نیستند. در هر مورد می‌توان به دیدگاه‌های اختلافی اشاره کرد. گاهی رهبران دولت وحدت ملی از گفتن مشکلات تبرا می‌جویند، ولی این به معنای نبود مشکلات نمی‌تواند باشد. می‌توان در گفتار و رفتارشان اختلافات را دید. بعضاً که آب از سر می‌گذرد، سخنگویان‌شان با کنایه چیزهایی را می‌گویند. بسیار شنیده شده که هیچ اختلافی در مورد اصلاحات انتخاباتی وجود ندارد، اما حالا می‌بینیم که اختلافات میان ریاست جمهوری و ریاست اجراییه جدی است. نگاه این دو نهاد به موضوع اصلاحات در نظام انتخاباتی چندان مشابه نمی‌نماید.

رهبران دولت وحدت ملی اگر موفق شوند توافق‌نامه سیاسی را که در پای آن امضا کرده‌اند مو به مو انجام دهند، بخش مهمی از مشکلات جامعه رفع خواهد شد. در توافق‌نامه سیاسی بحث‌های کلانی چون تغییر نظام و اصلاحات انتخاباتی وجود دارد. بحث تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی، از مهم‌ترین بحث‌های موجود در جامعه است که به صورت روشن در توافق‌نامه سیاسی از آن سخن گفته شده است. در گذشته وقتی بحث تغییر نظام به میان می‌آمد، رئیس جمهوری پیشین که به صورت ذاتی فردی ارباب‌منش بود، با آن مخالفت می‌کرد. آقای کرزی نمی‌خواست قدرت را به هیچ صورت تقسیم کند. او تغییر نظام را در تضاد با عقاید سیاسی خود می‌دید و فکر می‌کرد دولت متمرکز می‌تواند افغانستان را از تشتت و پراکنده‌گی نجات بخشد.

داستان، همان داستان مولوی است در مثنوی معنوی که مردی سیاه‌پوست کودکی را بغل گرفته بود و کودک از دیدن او می‌هراسید و می‌گریست و مرد سیاه‌پوست تلاش داشت او را آرام کند، بی‌خبر از این‌که مشکل اصلی خودش است. کسی که به این موضوع پی برده بود، مرد سیاه‌پوست را باخبر کرد و مشکل حل شد. اما هیچ‌کس تا پایان مأموریت سیاسی آقای کرزی برایش نگفت که مشکل افغانستان همان چیزی است که او فکر می‌کند نجاتش در آن نهفته است.

تغییر نظام می‌تواند به استبداد تاریخی در افغانستان پایان دهد و مشارکت سیاسی را به امری واقعی تبدیل کند. نظام سیاسی زمانی کارایی دارد که همه شهروندان حضور خود را در آن حس کنند. آن‌چه که امروز به عنوان مشارکت سیاسی اقوام در نظام سیاسی کشور از آن حمایت می‌شود، بیشتر باج‌دهی سیاسی به گروه‌ها و تیکه‌داران قومی است. چنین سیاسی کشور به صورت فاجعه‌باری از یک ترکیب شکننده خبر می‌دهد که هر آن ممکن است به تضادهای تازه بینجامد.

حل مشکلات قومی در افغانستان، در چهارچوب نظام سیاسی موجود امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل، بحث تغییر نظام مطرح شده است. در کنار آن، تغییر در نظام انتخاباتی کشور نیز که از دیگر مسایل مطروحه در توافق‌نامه سیاسی است، می‌تواند کشور را از بحران‌های آینده که در نتیجه تقلب و دستکاری آرا به وجود می‌آید، نجات دهد.

دولت وحدت ملی اگر بتواند به این دو خواست اکثریت مردم افغانستان پاسخ مثبت دهد، فکر می‌کنم بحث‌ها و جنجال‌های دیگر به عنوان فروعات آن قابل حل خواهد بود.

نظریه‌پردازان سیاسی، گذار به دموکراسی را شامل سه مرحله می‌دانند. نخستین مرحله گذار به دموکراسی، مبارزه بر ضد نظام‌های استبدادی است که باید به سقوط آن‌ها منجر شود. دومین مرحله، ایجاد نهادهای دموکراتیک است و در سومین مرحله، نهادینه کردن ارزش‌های دموکراتیک، مورد توجه قرار دارد. به باور نظریه‌پردازان سیاسی، مرحله سوم گذار به دموکراسی، مرحله جنجالی و توأم با مشکلات عدیده خواهد بود.

افغانستان در سیزده سال گذشته، دست‌کم از دو مرحله گذار به دموکراسی، تقریباً با موفقیت عبور کرده است. در این سیزده سال، به دنبال سقوط رژیم طالبان، شاهد نهادهای دموکراتیک در تمام سطوح هستیم. اما مرحله سوم گذار به دموکراسی، چالش‌هایی را در برابر سیاست‌گذاران کشور قرار داده است.

انتخابات به عنوان مهم‌ترین نهاد دموکراتیک در جامعه، کارکرد واقعی نداشته است. آن‌چه که در سال‌های گذشته از طریق انتخابات صورت گرفت، به شکل بی‌سابقه‌ی ارزش‌های دموکراتیک را با مخاطره روبه‌رو کرد. کارل پوپر نظریه‌پرداز سیاسی به این باور بود که برگشت به گذشته، همواره به عنوان دغدغه نظام‌های دموکراتیک شناخته می‌شود. پوپر می‌گوید برگشت به گذشته استبدادی، کابوس تمام نظام‌های دموکراتیک می‌تواند باشد.

شاید کارل پوپر از آن‌جا که شاهد جنگ دوم جهانی به عنوان مدهش‌ترین جنگ تاریخ بشریت بود، به این نتیجه رسیده باشد. جنگ دوم جهانی را آدلف هیتلر دیکتاتور آلمانی شعله‌ور کرد که خود از طریق انتخابات و سازوکارهای دموکراتیک به قدرت رسیده بود. اکنون سیزده سال پس از شکل‌گیری نظام دموکراتیک در افغانستان، می‌بینیم که این نظریه‌پرداز بریتانیایی چندان پُربراه نمی‌گفته است.

پوپر تأکید می‌کرد که همواره نیروهایی در کمین مردم‌سالاری‌ها نشسته‌اند تا قدرت را دوباره از آن‌ها واپس بگیرند. آیا این سخن می‌تواند به این معنا باشد که انتخابات می‌توانست در کشوری مثل افغانستان هم زمینه‌ی شود که به گذشته رجعت کرد؟

شاید چنین می‌شد اگر توافق‌نامه سیاسی میان رهبران دولت وحدت ملی امضا نمی‌گشت. این را می‌تواند حالا پس از گذشت چهار ماه از شکل‌گیری دولت وحدت ملی، بهتر از هر زمان دیگری حس کرد.

بیشتر دوستان دغدغه‌هایی را مطرح می‌کنند و تلاش‌های صورت می‌دهند تا نظام به سوی استبدادی شدن نرود. طعم استبداد، طعم تلخی است و باعث می‌شود که زود واکنش ایجاد کند. آن کس که طعم کبیل طالبان را فراموش

نظریه‌پردازان سیاسی، گذار به دموکراسی را شامل سه مرحله می‌دانند. نخستین مرحله گذار به دموکراسی، مبارزه بر ضد نظام‌های استبدادی است که باید به سقوط آن‌ها منجر شود. دومین مرحله، ایجاد نهادهای دموکراتیک است و در سومین مرحله، نهادینه کردن ارزش‌های دموکراتیک، مورد توجه قرار دارد. به باور نظریه‌پردازان سیاسی، مرحله سوم گذار به دموکراسی، مرحله جنجالی و توأم با مشکلات عدیده خواهد بود.

افغانستان در سیزده سال گذشته، دست‌کم از دو مرحله گذار به دموکراسی، تقریباً با موفقیت عبور کرده است. در این سیزده سال، به دنبال سقوط رژیم طالبان، شاهد نهادهای دموکراتیک در تمام سطوح هستیم. اما مرحله سوم گذار به دموکراسی، چالش‌هایی را در برابر سیاست‌گذاران کشور قرار داده است.

انتخابات به عنوان مهم‌ترین نهاد دموکراتیک در جامعه، کارکرد واقعی نداشته است. آن‌چه که در سال‌های گذشته از طریق انتخابات صورت گرفت، به شکل بی‌سابقه‌ی ارزش‌های دموکراتیک را با مخاطره روبه‌رو کرد. کارل پوپر نظریه‌پرداز سیاسی به این باور بود که برگشت به گذشته، همواره به عنوان دغدغه نظام‌های دموکراتیک شناخته می‌شود. پوپر می‌گوید برگشت به گذشته استبدادی، کابوس تمام نظام‌های دموکراتیک می‌تواند باشد.

شاید کارل پوپر از آن‌جا که شاهد جنگ دوم جهانی به عنوان مدهش‌ترین جنگ تاریخ بشریت بود، به این نتیجه رسیده باشد. جنگ دوم جهانی را آدلف هیتلر دیکتاتور آلمانی شعله‌ور کرد که خود از طریق انتخابات و سازوکارهای دموکراتیک به قدرت رسیده بود. اکنون سیزده سال پس از شکل‌گیری نظام دموکراتیک در افغانستان، می‌بینیم که این نظریه‌پرداز بریتانیایی چندان پُربراه نمی‌گفته است.

پوپر تأکید می‌کرد که همواره نیروهایی در کمین مردم‌سالاری‌ها نشسته‌اند تا قدرت را دوباره از آن‌ها واپس بگیرند. آیا این سخن می‌تواند به این معنا باشد که انتخابات می‌توانست در کشوری مثل افغانستان هم زمینه‌ی شود که به گذشته رجعت کرد؟

شاید چنین می‌شد اگر توافق‌نامه سیاسی میان رهبران دولت وحدت ملی امضا نمی‌گشت. این را می‌تواند حالا پس از گذشت چهار ماه از شکل‌گیری دولت وحدت ملی، بهتر از هر زمان دیگری حس کرد.

بیشتر دوستان دغدغه‌هایی را مطرح می‌کنند و تلاش‌های صورت می‌دهند تا نظام به سوی استبدادی شدن نرود. طعم استبداد، طعم تلخی است و باعث می‌شود که زود واکنش ایجاد کند. آن کس که طعم کبیل طالبان را فراموش

سخن‌ماندگار

خطر سقوط افغانستان

به کام پاکستان

رئیس‌جمهور اشرف‌غنی، مانع ارسال کمک‌های تسلیحاتی هندوستان به ارتش افغانستان شده است و این مسأله در نخستین نگاه، موفقیت پاکستان را در تعیین سیاست خارجی افغانستان نشان می‌دهد.

درخواست فرستادن تسلیحات نظامی به ارتش افغانستان، توسط حامد کرزی به هندوستان ارایه شده بود؛ اما حالا آقای غنی در آستانه عملی شدن آن توافق، ممانعت خویش را اعلام کرده است.

این اقدام، پس از آن صورت می‌گیرد که وزیر کشور پاکستان در گفت‌وگو با فارس خبر داده که عملیات مشترک پاکستان با نیروهای خارجی در افغانستان، همکاری بی‌نظیر اسلام‌آباد و کابل در مبارزه با تروریسم را نشان می‌دهد و تصریح کرده که روابط پاکستان و افغانستان هیچ زمانی به‌خوبی امروز نبوده است.

پیش از این، دولت اشرف‌غنی شش‌تن از دانشجویان نظامی را برای آموزش در یک دانشگاه نظامی پاکستان به ایت‌آباد اسلام‌آباد فرستاده است. فرستادن این دانشجویان برای آموزش به اسلام‌آباد و نیز شرکت نظامیان پاکستان در عملیات نظامی در خاک افغانستان و رد شدن کمک‌های تسلیحاتی هندوستان به افغانستان، نشان از آن دارد که آقای اشرف‌غنی، بیشتر در جهت منافع پاکستان عمل می‌کند و هندوستان را به حاشیه می‌راند.

پیش از این اقدام، آقای غنی در نطقی که در کنفرانس کشورهای جنوب آسیا یا سارک داشت، بیان کرده بود که به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد که جنگ نیابتی را در افغانستان راه بیندازد. در آن زمان، پاکستان گفته بود که هندوستان جنگ نیابتی را در افغانستان راه‌اندازی می‌کند. همدار اشرف‌غنی در آن‌هنگام در میان سران کشورهای جنوب آسیا نیز هماهنگی وی را با سیاست‌های پاکستان نشان می‌داده است.

البته تأمین رابطه در بهترین سطح با پاکستان می‌تواند برای افغانستان و پاکستان مهم باشد، اما اگر این داشتن رابطه خوب به معنای قرار گرفتن در برابر هندوستان و نپذیرفتن کمک‌های آن کشور باشد، به معنای آن است که پاکستان حرف اول را در تأمین روابط خارجی افغانستان می‌زند.

کمک‌های تسلیحاتی هند در حالی از جانب افغانستان رد می‌شود که آن کشور در ارایه چنین کمک‌هایی با مشکلات بسیاری مواجه است. هندوستان به‌سان پاکستان، به تولید جنگ‌افزار و تسلیحات نمی‌پردازد و نیازهای تسلیحاتی‌اش را از کشورهای دیگر تهیه می‌کند و بر بنیاد توافقی که میان هندوستان و کشورهای طرف قراردادش وجود دارد، هندوستان نمی‌تواند جنگ‌افزار و تسلیحات نظامی را به کشور دیگری بفرستد.

مسئله فرستادن تسلیحات نظامی پیشرفته به افغانستان از جانب هندوستان، آن‌هم بر بنیاد پیشنهاد رئیس‌جمهور پیشین افغانستان، یک اقدام افغانستان‌دوستانه بوده است. اما رد این کمک‌ها از جانب دولت افغانستان، در واقع در کنار این‌که ارتش و پولیس کشور را از دست یافتن به سلاح ثقیله و تسلیحات پیشرفته بی‌نصب می‌سازد، روابط دو کشور را با سوال مواجه می‌کند.

آقای غنی باید بداند که ادامه این نوع سیاست به گونه جدی افغانستان را به کام آژدهای پاکستان فرو می‌برد و حیثیت کشور را در حد صوبه پنج‌م پاکستان پایین می‌آورد. آقای غنی باید سیاست متوازن را در قبال پاکستان و هندوستان روی دست گیرد و نباید با یکی شیرین و با دیگری تلخ شود. افغانستان کشوری است که حیات سیاسی‌اش در شرایط کنونی وابسته به سیاست متوازن در تمام عرصه‌هاست. بنابراین، اگر آقای غنی شماری از دانش‌آموزان نظامی را به پاکستان می‌فرستد و آن کشور می‌تواند عملیات نظامی‌اش را در افغانستان راه‌اندازی کند، باید به همان تناسب نظامیان دیگری را برای آموزش به هندوستان بفرستد و نیز برای سربازان افغانستانی این زمینه را مساعد سازد که در خاک پاکستان در کنار نیروهای این کشور علیه تروریست‌ها عملیات به‌راه اندازند تا ثابت شود که کشور ما نیز به‌سان دیگر کشورهای مستقل جهان، می‌تواند کنش‌گر خوبی در روابط منطقه‌ی و بین‌المللی باشد. در غیر آن، آقای غنی خودش را با سوال‌های درشتی مواجه می‌کند و کشور را تدریجاً به بخشی از پاکستان تبدیل خواهد کرد.

تأثیر انقلاب ایران بر جهان اسلام



غیرتمندان یک ملت می خواستند مبارزه ای را علیه ظلم و ستمی که بر آن ملت و در منطقه ی خودشان حاکم بود آغاز کنند، به سوی تفکرات چپگرایانه می رفتند. انقلابیون از چپگرایان الهام می گرفتند و از آنها جزوه، نوشته و دستورالعمل دریافت می کردند. در آن دوران هر جای جهان که نهضت یا مبارزه ای علیه ظلم وجود داشت، یک پیشینه یا رگه ی چپگرایی در آن مشاهده می شد. تصور غالب این بود که بدون ارتباط با مثلاً مکتب مارکسیزم، نمی شود مبارزه ای را سازماندهی کرد و به پیروزی هم دست یافت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در هر نقطه جهان اسلام که یک حرکت انقلابی در ستیز با ظلم و ستم آغاز شد، ماهیت مذهبی یافت. «پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در عراق نیز بازتابهای گسترده و تأثیرات عمیقی داشت. یکی از دلایل تهاجم نظامی رژیم صدام به ایران اسلامی، هراس وی و حامیانش از فراگیر شدن پیام و ایده های ظلم ستیزانه انقلاب اسلامی بود. به عنوان مثال، حتی در سالهای سلطه ی دیکتاتوری جابرانه ی صدام بر عراق، یکی از مفاد بیانیه شش ماده ای مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق، بر وحدت اسلامی تاکید کرده بود. بعد از سرنگونی رژیم پیشین عراق نیز جهانیان مشاهده کردند که تفکر غالب در جامعه عراق، تفکر و گرایش های اسلامی است. اکثریت مردم عراق پس از سرنگونی دیکتاتور، شعارهای قوم گرایی و الحادی را کنار زدند و شعارهای اسلامی را عنوان کردند. گرایش به اسلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، منحصر به کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس نبود. در سالهای واپسین حکومت آپارتاید در آفریقای جنوبی، در کیپ تاون نیز شعار «الله اکبر» در تظاهرات مردم ستم دیده آفریقای جنوبی، بسیار شنیده شد. انقلاب اسلامی، در واقع نجات از سلطه ی خارجی و استبداد داخلی و دستیابی به استقلال و آزادی حقیقی را، ارائه کرده است. البته اینکه مسلمانان به ویژه جنبش های اسلامی بتوانند از رهگذر الگو و پیام انقلاب اسلامی، به آزادی و استقلال کشورشان دست یابند، به عوامل متعددی بستگی دارد که مهم ترین آن، برخورداری از اراده و ایمان برای مبارزه در چارچوب آیین اسلام است.

سال ۱۹۹۳ گفته است که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، امیدی در دل ملتها و مبارزان مسلمان در سراسر جهان پدید آورد. انقلاب اسلامی، هرچه علیه اسلام و بلکه در ستیز با مطلق دین، تبلیغ شده بود از ذهن ملتهای مبارز زدود و از بین برد. برای پاسخگویی به این پرسش که انقلاب اسلامی، چه میزان بر کشورها و جنبش های اسلامی هم عصر خود تأثیر گذاشته است، باید مصادیق آن را بررسی کرد. مصداق های کشورها و نهضت های اسلامی که از انقلاب مردم ایران تأثیر گرفته اند، متنوع و متعدد است. اما برخی از آنها دارای ویژگی های برجسته تری هستند. لبنان و جنبش حزب الله... این کشور، در این میان، برجسته ترین مصداق محسوب می شود. میان ایران و لبنان از دیرباز علاقه و پیوندهای عمیقی وجود داشته است. پیوندهای تاریخی علما و مردم جبل عامل لبنان با ایران در دوران حکومت سلسله صفویه و فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روحانی بلند آوازه ی ایرانی، امام موسی صدر، به عنوان رهبر شیعیان لبنان، از جمله دلایل همدلی و نزدیکی دو ملت ایران و لبنان است. وجود دشمن مشترکی به نام رژیم صهیونیستی، حمله اردوی این رژیم به لبنان در دهه ۱۹۸۰ و کمک های بشر دوستانه جمهوری اسلامی ایران به مردم لبنان، از دیگر عواملی است که بر میزان تأثیر گذاری انقلاب اسلامی در لبنان افزوده است. جنبش حزب الله لبنان، بیش از هر گروه اسلامی دیگر از پیام انقلاب اسلامی و مبارزات ضد استبدادی مردم مسلمان ایران تأثیر گرفته است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اغلب گروه های لبنانی و همچنین گروه های فلسطینی مستقر در لبنان، دارای گرایش های چپی بودند و شعارها و تبلیغات سیاسی و فرهنگی گروه های مذکور نیز، بر گرفته از مکتب مارکسیزم بود.

ولی پیروزی انقلاب اسلامی و فراگیر شدن پیام و شعارهای انقلاب، این معادله را دگرگون ساخت و بینش اسلامی را جایگزین گرایش های چپی کرد. رهبر انقلاب ایران، در یکی از سخنرانی های عمومی خود درباره غلبه ی فرهنگ و بینش اسلامی براندیشه های ملهم از مارکسیزم، این گونه سخن گفته اند: «قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی جوانان و

تحلیلگران غرب، پیروزی انقلاب اسلامی را به مثابه زلزله ای که جهان را به لرزه درآورد، توصیف کرده اند. این توصیف از آن جهت براننده انقلاب اسلامی است که انقلاب حقیقتاً، نقطه ی آغاز تغییرات گسترده ای را در خاورمیانه و حتی جهان اسلام رقم زد. بحث ما، تأثیرات انقلاب اسلامی بر جهان معاصر است و قصد مقایسه آن را با سایر انقلابها نداریم. اما باید به این نکته اشاره کنیم که انقلاب اکتبر در شوروی سابق، با اتکاء به توان نظامی ارتش سرخ در بخشی از اروپا گسترش یافت. برخی از حکومت های کمونیستی در آسیا و آفریقا نیز از طریق کودتای نظامی، راه خود را به سمت اریکه ی قدرت پیمودند. درحالی که انقلاب اسلامی، عمق و گستردگی کنونی خود را، مدیون ماهیت و خاستگاه اسلامی انقلاب است. در سالهای اول پیروزی انقلاب در ایران، دولتمردان غربی، مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران را به برنامه ریزی برای صدور انقلاب متهم می کردند. اما این ادعا، حقیقت نداشت و مقام های ایران اسلامی، نیازی به زمینه چینی برای گسترش جغرافیای انقلاب نداشتند، زیرا پیام انقلاب اسلامی برای اینکه راه خود را به سوی اذهان عمومی کشورهای اسلامی بگشاید، به توان ایدیولوژیک بالقوه ی خود متکی بود. انقلاب مردم ایران، اگرچه در محدوده مرزهایی مشخص متولد شد، اما در چارچوب این مرزها محدود نشد، زیرا روشی هایی برای زندگی فراتر از اختلافات ملی، مذهبی و قومی ارائه می کرد. انقلاب اسلامی، حرکتی برای جاری کردن خواست خدا و آئین اسلام در حیات انسان بود. انقلاب به همین دلیل، پیامی فراگیر و فراملی برای همه ی ملت های مسلمان و همچنین ملتهای آزادیخواه و تحت ستم جهان داشت و طبعاً، بر جنبش های اسلامی - سیاسی معاصر خود، تأثیر گذاشت و شهامت و امید را در این جنبش ها زنده کرد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تأثیرات عمیقی در کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه، به ویژه عراق، افغانستان و لبنان بر جای گذاشت. حتی سکولاریزم حاکم بر ترکیه در دهه ۱۹۸۰ نیز نتوانست اذهان مردم مسلمان این کشور را از درآمیختن با پیام انقلاب اسلامی بازدارد. ظهور احزاب اسلامگرا در ترکیه و گرایش چشمگیر مردم مسلمان این کشور به احزاب مذکور، مویذ این دیدگاه است. در اوان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سرزمین افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی سابق اشغال شد. انقلاب مردم ایران در افغانستان، به دلیل همسایگی دو کشور و زبان، تاریخ و فرهنگ مشترک ملتهای ایران و افغانستان، تأثیرات بسیار عمیقی بر جای گذاشت. رهبران شوروی در دهه ۱۹۸۰ با همه توان سیاسی و تبلیغاتی خود کوشیدند تا فرهنگ اسلامی مردم افغانستان را دگرگون سازند و مادیگرایی بلوک شرق را در میان مردم مسلمان این کشور رواج دهند. اما هویت اسلامی مردم افغانستان، تلاش های شوروی سابق را به منظور زدودن اسلام از متن زندگی و جامعه مردم افغانستان بی ثمر گذاشت. مجاهدان بزرگی نظیر شادروان احمد شاه مسعود نقش غیرقابل انکاری در شکست ارتش سرخ و خروج نیروهای شوروی از افغانستان داشتند. رهبر ایران، در دهه بزرگداشت پیروزی انقلاب در فروردی

شکست خوردیم مودی:

نخست وزیر هند با تبریک به رهبر حزب «آم آدامی» (AAP)، به شکست حزب خود در انتخابات ایالتی در دهلی نو اذعان کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، نارندرا مودی، نخست وزیر هند در صفحه توئیتر خود نوشت: در گفت و گو با آرویند کجریوال، رهبر حزب آم آدامی (Aam Aadmi Party) پیروزی اش را تبریک گفتم و بر حمایت کامل دولت از برنامه توسعه دهلی تاکید کردم.

از مه سال گذشته که نارندرا مودی به عنوان نخست وزیر هند منصوب شد، این اولین ناکامی است که حزب وی در عرصه سیاسی هند تجربه می کند.

گفته می شود آرویند کجریوال که برنامه ها و سیاست های خود را به مبارزه با فساد در هند متمرکز کرده، در این انتخابات به پیروزی قاطعی دست یافته است.

طبق نتایج اولیه انتخابات پارلمان ایالتی دهلی نو، حزب ملی گرای هندوی نارندرا مودی موسوم به بهاراتیا جاناتا تنها هشت کرسی به دست آورده در حالی که حزب آم آدامی وابسته به کجریوال با ۶۱ کرسی از مجموع ۷۰ کرسی، پارلمان دهلی نو را به دست آورده است.

کجریوال که سال گذشته پیش از استعفا، به مدت ۴۹ روز اداره امور پایتخت هند را در دست داشت، با پیروزی در انتخابات اخیر می تواند بار دیگر جایگاه خود را تقویت کند.

شکست حزب نارندرا مودی در این انتخابات یک ناکامی بزرگ برای نخست وزیر هند محسوب می شود چرا که وی از زمان به قدرت رسیدن در ماه مه گذشته پیوسته از حمایت رای دهندگان هندی برخوردار بود و در تمام انتخابات محلی و منطقه ای که در این مدت برگزار شد، پیروز شده بود.

با این وجود سخنگوی حزب بهاراتیا جاناتا تاکید کرد نتایج این انتخابات نشان دهنده رویگردانی مردم از سیاست های نارندرا مودی نیست چرا که موضوع مبارزات انتخاباتی در دهلی نو مربوط به مسایل منطقه ای از جمله خدمات آب و برق ارزان قیمت و همچنین مبارزه با فساد می شد. بنابراین اعتماد مردم به سیاست های حزب مودی در عرصه ملی در هیچ یک از مناطق به ویژه دهلی نو به هیچ وجه تحلیل نرفته است.

تنفر روس ها از غرب



براساس جدیدترین نظرسنجی انجام شده در روسیه مشخص شد که احساسات ضد غربی در این کشور به سطحی تاریخی در دوران روسیه پس از شوروی سابق رسیده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، براساس این نظرسنجی اکثریت شرکت کنندگان دیدگاه منفی در قبال آمریکا و اتحادیه اروپا دارند. نتایج این نظرسنجی در حالی منتشر شده است که در دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه روابط مسکو واشنگتن با گرمی مواجه نبوده است. این در حالی است که از زمان آغاز بحران اوکراین تنش ها میان آمریکا و روسیه نیز به شدت افزایش یافته است.

براساس این نظرسنجی مرکز لودا، ۸۱ درصد از شرکت کنندگان در این نظرسنجی دیدگاه و نگرش منفی در قبال آمریکا داشته اند. این در حالی است که این آمار بسیار بیشتر از آمار قبلی اعلام شده در جنوری ۲۰۱۴ است.

در این نظرسنجی عنوان شد که شمار افرادی که روابط مسکو - واشنگتن را خصمانه می دانند ۱۰ برابر شده است. همچنین دیدگاه و نگرش شرکت کنندگان در این نظرسنجی در قبال اتحادیه اروپا نیز بیش از دو برابر شده است. ۲۴ درصد اعلام کردند که روابط روسیه با اتحادیه اروپا در حال حاضر خصمانه است و ۴۱ درصد نیز از روابط پرتنش میان دو طرف سخن به میان آورده اند.

در این نظرسنجی همچنین آمده است که تقریباً نیمی از شرکت کنندگان روابط روسیه با اوکراین را در حال حاضر خصمانه می دانند. همچنین ۴۰ درصد اعلام کردند که روابط با غرب باید تقویت شود.

این نظرسنجی در حالی منتشر شده است که به دلیل تحریم های اقتصادی غرب علیه روسیه، اقتصاد این کشور با چالش های جدی مواجه شده است. بسیاری در روسیه، آمریکا را مقصر بروز بحران در اوکراین و همچنین تشدید تنش ها با روسیه می دانند.

مذاکرات پشت درهای بسته پوتین و سیسی

السیسی، رئیس جمهوری مصر با استقبال از ولادیمیر پوتین، همتای روسی خود در قاهره در خصوص راهکارهای تقویت روابط دو جانبه بحث و تبادل نظر کرد.

پوتین بعد از ظهر روز دوشنبه در راس هیاتی بلند پایه و در سفری دو روزه که نخستین سفر وی به مصر از ۱۰ سال قبل تاکنون به شمار می آید، وارد قاهره شد.

مذاکرات پوتین و سیسی که حدود نیم ساعت در فرودگاه قاهره انجام شد، پشت درهای بسته صورت



ولادیمیر پوتین در سفر خود به مصر و دیدار با رئیس جمهور این کشور در خصوص راهکارهای تقویت روابط دو جانبه بحث و تبادل نظر کرد.

به گزارش سایت شبکه خبری اسکای نیوز، عبدالفتاح

گرفت. یک منبع مصری عنوان داشت که دو طرف قرار است توافقنامه هایی را با هدف تقویت روابط دو جانبه در زمینه اقتصادی امضا کنند.

کارشناسان معتقدند که سفر پوتین به مصر با هدف گسترش نفوذ روسیه به بزرگترین کشور عربی به شمار می آید.

سیسی در زمانی که وزیر دفاع مصر بود و بعد از برکناری محمد مرسی به روسیه سفر کرد. وی همچنین در اوت ۲۰۱۴ برای دومین بار و به عنوان رئیس جمهور مصر به مسکو رفت.

مسئولان روسی و مصری مساله فروش سلاح های روسیه به قاهره را که با حملات گسترده ای علیه ارتش و پلیس به ویژه در شمال سینا مواجه است، بررسی می کنند.

بخش دوم و پایانی

قتله ذهنی که زنده‌گه تان را

تا بیدار کند



۳- مقایسه‌ها

این می‌تواند بین شما و دیگران باشد، مثلاً «او خیلی باهوش‌تر از من است». همچنین مقایسه می‌تواند بین شما و ایده‌آل‌های تان باشد، مثلاً «من باید درست مثل فلان موقع، فلان‌طور شوم». نارضایتی چیزی است که موجب مقایسه کردن شما می‌شود. ما همیشه می‌خواهیم بهتر، کامل‌تر و بالاتر از دیگران باشیم. مقایسه همچنین موجب رقابت می‌شود. ما از آدم‌های دیگر و ایده‌آل‌های مان به عنوان مقیاس و معیاری برای موفقیت استفاده می‌کنیم.

چرا زنده‌گی تان را نابود می‌کند: مقایسه کردن موجب حسادت و دشمنی می‌شود. همچنین موجب عصبانیت، درد و کلافه‌گی می‌گردد. این بر روابط شما با دیگران فشار وارد کرده و معمولاً موجب نابود کردن دوستی‌های تان می‌شود.

۴- آرزوها

آرزو داشتن یعنی خواستن چیزی که ندارید. علت آن این است که نارضاضی هستیم و احساس کمبود می‌کنیم. هیچ‌وقت هیچ‌چیز برای مان کافی نیست. خودمان هم کافی نیستیم. مثلاً «می‌خواهم این‌طور باشم — اما نمی‌توانم»، «دلَم می‌خواهد او این ویژگی را داشته باشد اما این‌طور نیست.» و از این قبیل. آرزوها رابطه نزدیکی با مقایسه‌ها دارند. ما خودمان را مقایسه می‌کنیم و نتیجه آن تمایل به داشتن چیزی بزرگتر و بهتر است. چرا زنده‌گی تان را نابود می‌کند: یک اصل اولیه این است که آرزو مساوی با درد است. گاهی اوقات، آرزو منجر به حرص و طمع می‌شود و طمع موجب بت‌سازی و عقده‌های روحی است و نتیجه آن معمولاً درد است. به جنایاتی که در دنیا اتفاق می‌افتد فکر کنید؛ دزدی، قتل، تجاوز، خیانت و همه به‌خاطر تمایلات و آرزوهای بشر است. وقتی چیزی را آرزو می‌کنیم که نداریم، نتیجه آن درد خواهد بود.

۵- انتظارات

انتظار داشتن یعنی داشتن این فکر که چیزی باید اتفاق بیفتد یا اتفاق خواهد افتاد. انتظارات معمولاً توسط ذهنی خشک و سخت ساخته می‌شوند که وقتی به چالش کشیده شود، دچار آشفته‌گی و پریشانی خواهد شد. مثلاً ناخودآگاه فکر می‌کنید، «با من مودبانه برخورد خواهد کرد» اما این اتفاق نمی‌افتد و شما بلافاصله به‌خاطر انتظاری که داشته‌اید ناامید می‌شوید. انتظارات در نتیجه قطعیت‌های نادرست ساخته می‌شوند و این‌ها نشانه رفتارهایی است که به دنبال حفظ امنیت هستند. همچنین ممکن است این انتظارات در قبال خودتان باشد، مثلاً به طور ناخودآگاه تصور می‌کنید «صورت من سرخ شده و به تنه پته خواهم افتاد» و بلافاصله این اتفاق خواهد افتاد.

چرا زنده‌گی تان را نابود می‌کند: انتظار رفتارهایی خاص از دیگران داشتن معمولاً منجر به ناامیدی، سردرگمی، کلافه‌گی و عصبانیت خواهد شد. توقعات، فشار زیادی بر روابط شما وارد خواهند کرد. از طرف دیگر، انتظار داشتن از خودتان هم مسایل زیادی برای تان ایجاد خواهد کرد. توقعات شما با از پیش تعیین کردن این‌که نتیجه چیزی خوب خواهد شد یا بد، بر نتیجه کار اثر می‌گذارد. مثلاً اگر توقع دارید خسته شوید، در ۹۹.۹ درصد از موارد خسته خواهید شد. این تأثیر شدیداً منفی بر زنده‌گی تان خواهد داشت.

۶- ایده‌آل‌ها

این بهترین نتیجه، موقعیت، آدم یا هر چیز ممکن است که توسط ذهن تان ساخته می‌شود. به عنوان مثال، «من باید این‌طور شوم —» «برای این‌که آدم باهوشی باشم باید نتیجه تست IQ من ۱۶۵ شود». ایده‌آل‌ها نشانه ایده‌آل‌گرایی هستند. علاوه بر این، این ایده‌آل‌ها معمولاً به شکل اهدافی غیرواقعی در ذهن ایجاد می‌شوند که رسیدن به آن‌ها معمولاً غیرممکن است.

چرا زنده‌گی تان را نابود می‌کند: چون دست یافتن به ایده‌آل‌ها بسیار دشوار است و به‌خاطر آن دچار خسته‌گی ذهنی و احساسی خواهید شد. ایده‌آل‌ها باعث می‌شوند تحت فشار شدید زنده‌گی کنید و اضطراب بسیار زیادی برای تان تولید خواهد کرد. وقتی متوجه تفاوت بین ایده‌آل و واقعیت شوید، نتیجه آن نارضایتی و درد خواهد بود. راضی کردن فرد ایده‌آل‌گرا معمولاً بسیار دشوار است و زنده‌گی کردن با چنین فردی نیز بسیار سخت خواهد بود. به همین دلیل ایده‌آل‌ها تأثیری منفی بر روابط شما خواهند داشت. تصورات، اعتقادات، مقایسه‌ها، تمایلات، انتظارات و ایده‌آل‌ها اگر به چالش کشیده نشده و کنترل نشوند، می‌توانند موجب نابودی زنده‌گی تان شوند. تا زمانی که شروع به کنترل یک‌به‌یک آن‌ها با یک انقلاب درونی نکنید، زنده‌گی خوبی را تجربه نخواهید کرد.

منبع: سلامت نیوز

بخش بیست و هفتم

اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



عبدالحفیظ منصور

تیمیه، ۱۳۸۷: ۲۸۹). بدین ترتیب، گرچه بر عدل و داد فراوان تأکید ورزیده، اما مرز میان داد و بیداد را به روشنی ترسیم نکرده است و نگفته که در چه زمانی قیام در برابر پادشاه ظالم جواز می‌یابد.

فصل نهم

الفای خلافت و بیداری اسلامی در عصر جدید
در نیمه سده هفتم هجری، دستگاه خلافت بغداد توسط هلاکوخان واژگون گردید. از آن زمان تا عهد عثمانی‌ها، بازمانده‌گان عباسی‌ها در مصر نهاد خلافت را به‌صورت سمبولیک و نمادین حفظ کردند؛ بدین معنی که خلیفه هیچ‌گونه صلاحیت اجرایی را دارا نبود، بلکه تنها از حیث معنوی مورد احترام قرار داشت.

در نیمه قرن نهم، قسطنطنیه پایتخت روم شرقی به‌دست سلطان محمد فاتح خلیفه عثمانی فتح شد و این پیروزی موجب گسترش اقتدار عثمانی‌ها گردید و تا سده سیزدهم هجری، بخش وسیعی از جهان اسلام را زیر لوای یک حکومت، به‌نام خلافت عثمانی قرار داد. این موفقیت

ابن تیمیه، دو ویژه‌گی، یکی قوت و توانایی و دیگری امانت‌داری را برای امام مسلمانان مهم می‌خواند. او روشن می‌سازد که قوت و توانایی در هر موردی، معنی خاص خود را دارد و در همه‌جا به یک معنی و مفهوم نیست. امامت مفضول با وجود فاضل، گاهی برای ابن تیمیه پذیرفتنی است، و در این زمینه می‌گوید: «گاهی به سبب کدام علت خارجی، انتخاب مفضول با وجود افضل نیز به میان آمده می‌تواند؛ چنان‌که در غزوه ذات‌السلاسل حضرت رسول (ص) حضرت عمرو بن عاص را محض از روی شفقت، بالای اقریش که با ایشان فرستاده شده بود انتخاب کرد، یا اسامه بن زید را به مناسبت وفات پدرش تعیین فرموده بودند.» (ابن تیمیه، ۱۳۸۷: ۵۶)

ابن تیمیه در این‌جا نمونه‌هایی از فرماندهی لشکر را به‌دست می‌دهد، در حالی که این پرسش باقی می‌ماند که گزینش مفضول با وجود افضل در امر امامت عام مسلمانان هم می‌تواند درست باشد و یا خیر. افزون بر آن، آن‌چه ابن تیمیه درباره گزینش عمر



عثمانی‌ها، اروپاییان را به‌شدت تکان داد و آن‌ها را به منظور پیش‌گیری از نفوذ بیشتر عثمانی‌ها هوشیار ساخت و در فرجام به عنوان یک عامل مهم در راستای بیداری و بالاخره نیرومندی اروپا نقش ایفا کرد. هم‌زمان با خلافت عثمانی‌ها (-۱۴۵۳/۱۹۴۳م)، صفوی‌ها (۱۷۲۲-۱۵۰۱م) در ایران و باری‌ها در هند حکم‌روایی کردند، به گونه‌یی که خلافت عثمانی به عنوان نماد دولت‌مداری اهل سنت، و صفوی‌ها حامی و تقویت‌کننده مذهب تشیع شناخته می‌شدند و باری‌ها (۱۷۰۷-۱۵۲۶م) نیز

و بن عاص و اسامه بن زید اشاره کرده است، شاید بخشی از دلایل باشد، اما کل دلایل نیست؛ زیرا هر دو صحابه یاد شده، در فرماندهی جنگ از نامدارانند. علاوه بر آن، آیا می‌شود فرماندهی جنگ را بنا بر مصلحت‌هایی که ابن تیمیه یادآوری کرده است، به دوش شخص مفضول سپرد و با سرنوشت سپاه بازی کرد؟... پاسخ این سوال زمانی دشوارتر می‌گردد که ابن تیمیه، «اولوالامر» را شامل امرا و علمای دینی می‌سازد و اطاعت از آن‌ها را بر اساس نص صریح واجب می‌خواند (ابن



په جابر العلوانی

ترجمه: مهران موحد

چند سال پیش، گروهی از زندانیان مسلمان در یکی از بزرگترین زندان‌های نیویورک، از من برای ایراد سخنرانی برای زندانیان مسلمان آن زندان و تفقد آن‌ها دعوت کردند. به آن زندان رفتم و دیدم که در حدود چهل تن از زندانیان مسلمان در سالونی گرد هم آمده‌اند که آن را برای نماز خواندن اختصاص داده بودند. پس از این که نماز را گزاردم، به ایراد سخنرانی پرداختم و در طی آن از اهمیت و ارزش و ضرورت آزادی برای انسان حرف زدم و نیز بر این نکته تأکید ورزیدم که انسان بدون آزادی، انسانیت خود را از دست می‌دهد. نیز از تاریخچه زندان سخن گفتم و این که بشر از روزگاران کهن با این پدیده آشنا بوده است. از حضرت یوسف - علیه السلام - یاد کردم که برای پاک‌دامن ماندن، زندان را بر آزادی ترجیح نهاد. به زندانیان سفارش کردم که از توفیق اجباری‌یی که برای‌شان در زندان دست داده، به منظور اصلاح و تربیت روح و روان خود استفاده بهینه کنند و بکوشند با استفاده از این فرصت، دگردیسی‌یی ریشی در سلوک و رفتار و اخلاق خویش ایجاد کنند.

پس از آن که سخنرانی من تمام شد، بسیاری از زندانیان حاضر در آن جلسه از من به‌خاطر دیدار با آن‌ها تشکر کردند و موضوعات مطرح شده در سخنرانی‌ام را ارزشمند دانستند. سپس نوبت به طرح پرسش‌ها رسید که بخشی از این پرسش‌ها مربوط به مسایل روزمره از قبیل نماز و وضو و پاکی و روزه می‌شد و پاره‌یی از این سؤالات، به مسایل حلال و حرام می‌پرداخت. در این میان، یکتا تن از زندانیان، پرسشی را مطرح کرد که خیلی بنده را به تأمل و تدبر واداشت. پرسید که: «آیا بر مسلمانان واجب نیست که خلیفه‌یی برای خود برگزینند که احکام شریعت را اجرا کند و حدود شرعی را برپا سازد؟ اگر چنین است، آیا بر ما واجب است که دولتی اسلامی در زندان ایجاد کنیم؟ پس از آن که دروازه‌های سالون‌های بزرگ زندان بسته می‌شود، زندانیان در داخل این سالون‌ها از آزادی مطلق برخوردار می‌شوند و پولیس و دیگران نمی‌توانند بدون اجازه آن‌ها وارد این سالون‌ها شوند. بدین ترتیب، ما می‌توانیم از ساعت هفت شام تا ساعت شش بامداد،



احکام

شرعی را

مورد اجرا قرار دهیم و حدود

را تطبیق کنیم. فقها گفته‌اند که تکلیف بر حسب طاقت است. از این رو، ما از طرف شب - اگر نه در روز - می‌توانیم شریعت را تطبیق کنیم، آیا تطبیق شریعت بر ما واجب است؟ آیا اگر این کار را بکنیم فریضه ایجاد دولت اسلامی از عهده ما ساقط می‌شود؟»

هرگز تصور نمی‌کردم کسی چنین پرسشی را در چنین جلسه‌یی مطرح کند. با شنیدن این پرسش در شوک فرو رفتم، چه این که این نکته از بدیهیات است که خداوند پیامبر اسلام (ص) را مأمور ساختن امتی با ویژه‌گی‌های مخصوص به خود ساخته بود که خدا را به یگانه‌گی بشناسند و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را برعهده بگیرند و مردمان دیگر را در جهت پاکسازی خرد و قلب و روح و اعضا و جوارح و زنده‌گی و اندیشه‌ها و افکارشان یاری رسانند. اما «حکومت» را باید خود مردم بسازند با توجه به مکانیسم‌هایی که مقاصد بزرگ قرآنی - از توحید و تزکیه و آبادانی زمین - را محقق سازد و بتواند زمینه را برای ساختن جامعه‌یی میانه‌رو و پیشرو که الگویی برای دیگر ملت‌ها در زمینه برپا ساختن حق و عدالت و تأمین آزادی‌های عمومی برای مردم و نگاه‌داری دارایی‌ها و آبرو و جان و خرد مردم از مورد تعرض قرار گرفتن و تأمین آزادی‌های عمومی برای اصحاب دیگر ادیان و مذاهب.

در آن‌جا فهمیدم که برخی از کسانی که به دیدار این زندانیان بیچاره آمده‌اند و از اسلام به آنان سخن زده‌اند، تنها چیزی که از اسلام می‌دانسته‌اند، دولت و حکومت و قدرت و سیاست بوده است. احتمالاً این مبلغان دینی، مسایلی را به این زندانیان تلقین کرده‌اند که باعث شده زندانیان به برداشت‌های غلط و عجیب و غریب از اسلام برسند و گمان کنند

«دولت اسلامی» در بزرگ‌ترین زندان نیویورک

آدم‌ها به باوری دینی اعتقاد پیدا کند که آن باور را از منابع درستش دریافت نکرده باشد و آموزگارانش آموزه اصیل اسلامی را به وی یاد نداده باشند، حتما چنین آدمی به نام اسلام، فاجعه خواهد آفرید و به شکل مؤثرتری به دیگران آسیب خواهد رساند. تجارب زنده‌گی به من این نکته را آموخته که کسانی که به این زندان‌ها برای دعوت زندانیان به اسلام و نیز عرضه راهنمایی‌های دینی به زندانیان مسلمان می‌روند، باید به صورت درست گزینش شوند و باید حرف‌هایی که دعوت‌گران مسلمان به زندانیان می‌زنند، از قبل و در حضور گروهی از دعوت‌گران مسلمان تأیید شده باشد و سنجیده بودن آن به اثبات رسیده باشد تا مبادا چیزهایی به آن‌ها گفته شود که باعث سوءفهم آنان شود و روحیه شرارت‌پیشه آنان را بیشتر از پیش تحریک کند و آنان را به استفاده از قوه قهریه در راه دین! وا دارد.

با این‌همه، آنانی که با میراث فکری و فقهی مسلمانان آشنایی دارند - میراثی که در دوره‌های تاریخی گونه‌گون شکل گرفته - می‌دانند که مهار کردن این دعوت‌گران و متقاعد ساختن‌شان به این که گفتمان دینی‌شان را اصلاح کنند، بسیار دشوار است چرا که گفتمان دینی‌یی که آنان در چارچوب آن می‌اندیشند، بر پایه آن‌چه آموخته‌اند و از استادان خود دریافته‌اند، ساخته شده و بر مبنای فقهی شکل گرفته که گرفتار آفت‌های ریشه‌براندازی در مرحله‌های تاریخی مختلف شده است. در مورد این قبیل از دعوت‌گران و مبلغان دینی، شیخ محمد غزالی - رحمه الله - مقاله‌یی نگاشته است که عنوان آن چنین است: «چه وقت اسلام از دست اینان راحت خواهد شد؟»

که در اسلام، بیشتر از همه چیز، فعالیت سیاسی و به دست گرفتن قدرت سیاسی، ارزش و اهمیت دارد و به این تصور افتاده‌اند که اسلام، چیزی جز سلطه و نیرویی نیست که سیستم مجازات خشن و انعطاف‌ناپذیری را بر مردم تحمیل می‌کند و بدین‌گونه بر گرده مردم سوار می‌شود و اختیار آن‌ها را سلب می‌کند. این‌گونه آدم‌ها اسلام را که شامل ایمان و شریعت و دین‌داری می‌شود، در قدرتی سیاسی خلاصه می‌کنند که وظیفه دارد نظام مجازات خشن و عبوسی را اجرا کند، و آگاهانه یا ناآگاهانه نام شریعت را بر آن می‌گذارند.

مسئولان زندان‌های امریکا پیش از یازده سپتمبر ۲۰۰۱ میلادی، دعوت‌گران و مبلغان اسلامی را با کمال ادب و احترام به زندان‌ها در امریکا می‌آوردند تا به زندانیان، اندرزه‌های مذهبی بدهند و راهنمایی‌های دینی ارائه کنند، چرا که مسئولان زندان‌ها مشاهده کرده بودند که زندانی‌یی که به اسلام می‌گردد، سلوک و رفتارش بهتر می‌شود و انسانی دیگر می‌گردد و از استعمال مواد مخدر و مسکرات خودداری می‌کند و روحیه شرارت‌پیشه‌گی و تجاوزگری را از دست می‌دهد. به همین دلیل، مسئولان زندان‌ها تسهیلات فراوانی برای دعوت‌گران مسلمان و امامان مساجدی که می‌خواستند با زندانیان دیدار کنند و آن‌ها را به اسلام دعوت کنند فراهم می‌کردند. ولی پس از رویدادهای یازده سپتمبر، اوضاع دگرگون شد و از آن پس، مسئولان امریکایی خیلی تلاش می‌کنند جلو دیدار زندانیان با دعوت‌گران مسلمان را بگیرند. معمولاً زندانیان از آدم‌هایی تشکیل شده‌اند که جرم‌های مختلفی را مرتکب شده‌اند از قبیل آدم‌کشی و جرایم سازمان‌یافته و زورگیری و دزدی و تجاوز جنسی بر زنان و دیگر جنایت‌ها. هرگاه یکی از این

ایات برگزیده از اقتضای مولانا

سخت‌گیری و تعصب خامی است / تا جنینی کار خون‌آشامی است

آدمی فربه شود از راه گوش / جانور فربه شود از حلق و نوش

آدمی مخنی است در زیر زبان / این زبان پرده است بر درگاه جان

آفت ادراک آن حال است و قال / خون به خون شستن محال است و محال

از محبت، نار نوری می‌شود / وز محبت، دیو حوری می‌شود

ای که تو از ظلم چاهی می‌کنی / از برای خویش دامی می‌تنی

این جهان کوه است و فعل ما ندا / باز گردد این نداها را صدا

پیش چشمت داشتی شیشه کبود / زان جهت عالم کبودت می‌نمود

تیغ دادن در کف زنگی مست / به که آید علم، ناکس را به دست

خنک آن چشم که گوهر زخسی بشناسد / خنک آن قافله‌یی کو بودش دوست خمیر

صورت زیبا نمی‌آید به کار / حرفی از معنی اگر داری بیار

عشق‌هایی کز پی رنگی بود / عشق نبود عاقبت ننگی بود

کرد مردی از سخن دانی سؤال / حق و باطل چیست ای نیکو مقال / گوش را بگرفت و گفت این باطل است / چشم حق است و یقینش حاصل است

نردبان خلق این ما و من است / عاقبت زین نردبان افتادن است / هر که بالاتر رود ایله‌تر است / کاستخوان او بتر خواهد شکست



هشدار از سقوط رییس جمهوری به دامن پاکستان

وزیر داخله پاکستان گفته است که بعد از حادثه پیشاور نیروهای ایساف با همکاری ارتش پاکستان عملیات‌های مشترکی در خاک افغانستان انجام دادند که بر اثر آن ۶ الی ۷طالب کشته شدند.

چودهری نثارعلی خان وزیر داخله پاکستان در گفت‌وگو با فارس در اسلام‌آباد اظهار داشت: روابط پاکستان و افغانستان هیچ زمان به خوبی امروز نبوده است.

وی افزود: بعد از حادثه تروریستی پیشاور فرمانده ارتش پاکستان راهی افغانستان شد و این کشور کمال همکاری را برای مشخص شدن عاملان این جنایت داشت.

خان بیان کرد: بعد از حادثه پیشاور نیروهای ایساف با همکاری ارتش پاکستان عملیات‌های مشترکی در خاک افغانستان انجام دادند که بر اثر آن ۶ الی ۷شبه‌نظامی کشته شدند.

وزیر داخله پاکستان گفت: عملیات‌های مشترک ایساف و ارتش پاکستان با همکاری افغانستان انجام شد و به دو کشور مربوط می‌شد به همین علت جزئیات این عملیات‌ها فاش نشد.

وی افزود: برای اولین بار است که افغانستان برای مبارزه با تروریسم به طور جدی با پاکستان همکاری می‌کند و چنین همکاری در روابط دو کشور مثال زدنی است.

چودهری نثارعلی خان گفت: پاکستان و افغانستان توانسته‌اند بی‌اعتمادی به یکدیگر را کنار بگذارند و برای

اعتمادسازی بیشتر تلاش کنند.

خان اظهار داشت: رهبران سیاسی و نظامی ارتباط مستمر با یکدیگر را حفظ کرده‌اند و برای مبارزه با تروریسم مصمم هستند.

وی افزود: به دنبال برقراری امنیت در مرز مشترک هستیم زیرا این موضوع برای پاکستان و افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است.

وزیر داخله پاکستان بیان کرد: اسلام‌آباد و کابل برای نظارت بیشتر بر عبور و مرور افراد در دو طرف مرز مشترک، شناسایی افراد مشکوک و شناسایی نقل و حرکت تروریست‌ها در مرز مشترک به توافق رسیده‌اند.

چودهری نثار علی‌خان تأکید کرد: مرز مشترک بسیار طولانی است که نظارت بر آن را با دشواری‌های زیادی مواجه می‌سازد با این وجود ارتش و نیروهای امنیتی پاکستان مصمم هستند با عملیات‌های بدون‌امتیاز و نظارت بیشتر امنیت را در این مناطق برقرار کنند.

وی افزود: سران دو کشور باید به این موضوع توجه داشته باشند که حفظ روابط دوستانه از برقراری ارتباط با یکدیگر مهمتر است.

علی خان گفت: بعد از حادثه پیشاور، افغانستان اطلاعات ارائه شده توسط فرمانده ارتش پاکستان در زمینه این حادثه را پذیرفت و به سرعت وارد عمل شد که این امر بسیار خوشایند بود.

شناس‌نامه‌های الکترونیکی و یک نماد پرسش‌برانگیز

علی پارسا

حالا دیگر وقتی حرفِ شناس‌نامهٔ الکترونیکی به میان می‌آید، ناخودآگاه انبوهی از خاطراتِ تلخ و خواب‌های شیرین به ذهن‌مان هجوم می‌آورد. جنجال‌های پُرحاشیهٔ ذکر هویت‌های قومی در دنیای مجازی و حقیقی، هنوز در خاطر همه‌گان است. این‌که به هویت قومی افراد در شناس‌نامه‌های الکترونیکی اشاره شود یا نه – علی‌رغم همهٔ استدلالات و جبهه‌گیری‌های له و علیه و به درازا کشیدن این جنجال‌ها – نشان‌دهنده اهمیتِ مفرطِ نسل جدید شناس‌نامه‌های شهروندی است. به بیان دیگر، می‌توان گفت که اگر از بحث و گفت‌وگوی همه‌گانی در جامعه – اعم از مردم و سیاسیون، جدا از رای و منطق جهت‌گیری‌شان – یک نتیجهٔ عمومی گرفته شود، قطعاً این خواهد بود که این مسأله برای همه‌گان از اهمیت بالایی برخوردار است و نمی‌شود به‌آسانی از کنار آن گذشت.

سرانجام پس از تصویب قانون جنجالی ثبت احوال نفوس، هرچند تا جایی مردم و مسوولین از کشمکش‌ها و بحث‌های انتزاعی آن فارغ شدند، اما تعلق حکومت برای شروع این پروسه، همچنان توجهات و نارضایتی‌هایی را به همراه داشته است. حالا هم که به نظر می‌رسد همه منتظر تصمیم شورای امنیت ملی و شاید هم فراغت رییس‌جمهور غنی برای افتتاح این روند هستند.

با این وجود، درست زمانی که به نظر می‌رسد دیگر حرف و تبصره‌یی دربارهٔ شکل و محتوای این شناس‌نامه‌های برقی نمانده و فقط باید منتظر اشاره‌یی از سوی رییس‌جمهور بود، با کمی دقت در نمونه‌های این شناس‌نامه دیده می‌شود که به لحاظ شکلی و صوری چندان هم خالی از سوال و مشکل نیستند. در نسخه‌های آزمایشیِ این شناس‌نامه‌ها دیده می‌شود که در کنار سایر علایم و تصاویر، تصویر چند شتر بیش از هر چیزِ دیگر جلب توجه و خودنمایی می‌کند.

به کار بردن نشانِ شتر در شناس‌نامهٔ هویت یک ملت به لحاظ نشانه‌شناسی و به دور از هرگونه ارزش‌دآوری، اگر جای نکوهش نداشته باشد، لاقال محلّ پرسش و کاوش دارد. به نظر می‌رسد که جدال‌های مجلس نماینده‌گان، بیشتر بر سر محتوای این شناس‌نامه بوده و از نظر شکلی هیچ توافقی بر سر آن صورت نگرفته است.

رای‌زنی بر سر پروژهٔ...

قرار است افغانستان در ده سال اول ۰٫۵ میلیارد متر مکعب گاز، در ده سال دوم یک میلیارد متر مکعب و در ده سال سوم، ۱٫۵ میلیارد متر مکعب گاز از پروژهٔ تاپی خریداری کند. مقام‌های وزارت معادن از ارائه جزئیات در مورد قیمت هر متر مکعب گاز خودداری کردند. آن‌ها می‌گویند هر کشور براساس توانایی و نیازمندی‌های خود از این پاییلاین گاز خریداری می‌کند و هر کشور تلاش دارد تا با قیمت نازلتر گاز مورد نیازش را خریداری کند. قرار است این پایپ لاین از ولایات هرات و قندهار عبور کند و به خاک پاکستان برسد.

پروژه صلح، رقیب تاپی

هدف اصلی پروژه تاپی، رساندن گاز به مارکیتهای هند است. این مارکیته‌ها بخش بزرگی از گاز را نیاز دارند.

هشدار از سقوط رییس جمهوری به دامن پاکستان

وزیر داخله پاکستان گفت: سفر اشرف‌غنی به اسلام‌آباد تأثیر بسیار زیادی بر گسترش روابط دو کشور داشت و سفر رهبران سیاسی پاکستان از جمله اسفندیار ولی‌خان، محمود خان اچکزئی و شیرپائو که با کرزی نیز ملاقات کردند، باعث تحکیم این روابط شد.

سقوط در دامن پاکستان

در این حال، برخی از آگاهان می‌گویند که پاکستان باید از رییس‌جمهور غنی خرسند باشد؛ زیرا آقای غنی به تمامی خواست‌های اسلام‌آباد پاسخ مثبت داده و عمل کرده است. آنان از دستور اخیر رییس‌جمهور غنی یاد می‌کنند که در نتیجهٔ آن، درخواست جنگ‌افزار از هند به حالت تعلیق در آمده است.

این آگاهان می‌گویند که رییس‌جمهور غنی باید توازن را در مناسبات میان دو کشور پاکستان و هند در نظر داشته باشد. آنان می‌گویند که هند از متحدان استراتژیک افغانستان به حساب می‌رود و این کشور در کنار امریکا، آلمان، جاپان و ... از بزرگترین کمک‌کننده‌گان افغانستان بوده است و اما پاکستان در چند دههٔ اخیر، تمامی توان خود را برای مهار افغانستان و مزوی کردن این کشور به کار بسته است.

این آگاهان از سقوط رییس‌جمهور غنی به دامن پاکستان هشدار می‌دهند و می‌گویند که نباید به این زودی‌ها به پاکستان اعتماد کرد.

با این حال، اما به نظر می‌رسد که از نظر نشانه‌شناسی مدلول «راه ابریشم» با دال «کاروان شتر»، علی‌رغم فلسفه‌بافی‌ها و توجیه‌گری‌های طویل، چندان مرتبط و توجیه‌پذیر نیست؛ «کاروان شتر» هیچ ربط وثیقی با «جادهٔ ابریشم» ندارد و اگر داشته باشد هم، این رابطه یک رابطهٔ «معلوم» نیست. از سوی دیگر، نشان شتر می‌تواند تداعی‌گر بسا تصاویر و برداشت‌های متنوع و متکثر در ذهن مخاطبان باشد؛ زیرا این نشان علاوه بر دلالت بر «راه ابریشم»، بر مدلولات بی‌شمار دیگری هم قابل تعمیم است که این مسأله خود می‌تواند نقطه‌ضعفِ بزرگِ دیگری در به‌کارگیری این نشان باشد.

به علاوه در فرهنگ ما و بسیاری از فرهنگ‌های دیگر، «شتر» بیشتر بر زنده‌گی بادیه‌نشینی و صحراگردی دلالت می‌کند. «شتر» در میان حیوانات، از مقاوم‌ترین حیوانات در برابر گرما و سرما و گرسنه‌گی و تشنه‌گی است که به همین جهت هم از آن برای حمل‌ونقل در بیابان‌ها و صحراهای خشک استفاده می‌کنند. شاید بتوان گفت که این حیوان با این اوصاف، نقطهٔ مقابل زنده‌گیِ تمدنِ شهری و توسعه‌یافته است. درج نماد شتر بر شناس‌نامه‌های الکترونیکی نه تنها مایهٔ فخر و مباهات نمی‌تواند باشد، بلکه مایهٔ سرافکنده‌گی اهالیِ یک سرزمینِ دارای تمدنِ تاریخی هم تلقی می‌شود.

از سوی دیگر هرچند به‌کارگیری تصویر حیوانات به عنوان نشان ملی کشورها – مانند تصویر کانگرو در استرالیا – امری پذیرفته‌شده و معمول است، اما نباید فراموش کرد که این نشانه‌ها قابلیت تقلید و پذیرش از طرف دیگران را ندارد.

در نهایت به عنوان نتیجه‌گیری باید گفت که اولاً از قراین پیداست که علی‌رغم اهمیت بیش از حد این سند، در بخش طراحی اولیهٔ قالب آن، مسوولان چندان موفق عملی نکرده‌اند و گویا با سهل‌انگاری به این مهم پرداخته‌اند. ثانیاً، در بخش سمبول‌ها هم به نظر می‌رسد که نشانه‌های به کار رفته در این شناس‌نامه و مشخصاً نشان «کاروان شتر» از نظر نشانه‌شناختی، مبهم و شک‌برانگیز است. حکومت موظف است به این ابهام‌ها و تردیدها پاسخ بگوید و دفاعیهٔ خود را در به‌کارگیری این سمبول به جامعه ارایه کند و در صورت عدم قناعت مردم، دست به اصلاح نواقص صوری و محتوایی موجود در شناس‌نامه‌های الکترونیکی بزند.

دلیل تلاش برای دست یابی به سلاح های اتومی، از سوی قدرت های غربی تحریم شده است. حالا تلاش می شود تا پروژه گاز صلح که می تواند مبالغ هنگفتی را نصیب ایران کند، با شکست مواجه شود و به جای آن پایپ لاین تاپی گاز مورد نیاز هند را به آن کشور برساند.

رقابت‌های سیاسی بین افغانستان و پاکستان نیز چالش دیگری در برابر عملی شدن پروژه تاپی است. تحلیلگران می‌گویند اگر پاکستان نخواهد، به ساده‌گی می‌تواند این پروژه را با شکست مواجه کند. در همین حال، هند و پاکستان نیز دو رقیب اصلی در جنوب آسیا هستند و روابط دو کشور گاهی به شدت تیره می‌شود.

اما فرصت اقتصادی که پایپ لاین گاز تاپی برای پاکستان دارد، به باور آگاهان می‌تواند این کشور را وادار به همکاری نماید. پاکستان یکی از کشورهایی است که با کمبود گاز روبرو است.

چرا نباید به پاکستان...

زیاد رشد کرده است. ارتش ما حمایت مردم عام را با خود دارد.» در حال حاضر حدود ۳۰۰ افسر ارتش ملی افغانستان در هندوستان نیز از سوی نظامیان این کشور آموزش می‌بینند. اسلام آباد در گذشته پیشنهاد مشابهی کرده بود تا بتواند با نفوذ هندوستان در افغانستان مقابله کند، اما حامد کرزی به این درخواست پاکستان پاسخ مثبت نگفت و در این امر هندوستان را بر پاکستان ترجیح داد.

اسد منیر، تحلیلگر دفاعی در اسلام آباد به دویچه وله گفت که رییس‌جمهور غنی اقدام‌هایی برای بهبود بخشیدن روابط با پاکستان انجام داده است که آموزش افسران افغان در اکادمی کاکول بخشی از آن است. او گفت: «نیروهای افغانستان علیه شورشیان در مناطقی هم سرحد با پاکستان وارد اقدام شده اند. این ثابت می‌کند که کابل مناسبات بهتر با پاکستان می‌خواهد.»

خصوصت پاکستان و هند

تحلیلگران می‌گویند که بهبودی در روابط افغانستان و پاکستان نتیجه تلاش‌های راحل شریف، لوی درستیز پاکستان نیز است. او در چند ماه نخست حکومت اشرف غنی چهار باز از کابل دیدار کرد.

طاهر خان، خبرنگار پاکستانی می‌گوید: «شریف بایست مقام‌های افغانستان را متقاعد کرده باشد که پاکستان در افزایش همکاری‌های نظامی جدی است، در غیر آن، تبادلۀ افسران هرگز ممکن نبود.»

اما جنرال عتیق الله امرخیل، فرمانده پیشین نیروی هوایی افغانستان می‌گوید که «فرستادن افسران به پاکستان برای آموزش نظامی یک ایده بد است» و ممکن است منجر به ناراحتی هندوستان شود.

او گفت: «پاکستان برای دو سال اصرار می‌کرد که نیروهای امنیتی افغانستان را آموزش بدهد. حامد کرزی رییس‌جمهور پیشین هرگز به فرستادن افسران به اکادمی‌های نظامی پاکستان موافقت نکرد، زیرا او نمی‌خواست هندوستان را برنجانَد.»

این جنرال پیشین افغانستان می‌گوید که بعد از حمله طالبان بر مکتبی در پشاور، دو کشور همسایه به افزایش همکاری‌های نظامی توافق کردند: «اگر پاکستان و افغانستان می‌خواهند باهم همکاری کنند، راه‌های دیگری برای آن وجود دارند. در درون ارتش پاکستان تمایل ضدیت با هند وجود دارد که در جریان آموزش‌ها بروز می‌کند. افسرانی با روحیه ضد هندی چگونه می‌توانند برای ما مفید باشند؟»

«سیاست پاکستان تغییر نکرده»

شماری از تحلیلگران به این باور اند که تا زمانی که پاکستان در پالیسی کهته خود در قبال افغانستان تغییر ایجاد نکند، این تحولات کوچک نمی‌تواند پیشرفت مداوم باشد.

به باور تحلیلگران، دستگاه‌های نظامی و ملکی پاکستان هنوز هم طالبان را به عنوان یک متحد مهم استراتژیک می‌بینند که به باور اسلام آباد باید بخشی از حکومت افغانستان باشند. ناظران می‌گویند اسلام آباد انتظار دارد نفوذی را که پیش از تهاجم ایالات متحده امریکا در افغانستان در زمان حاکمیت طالبان داشت، دوباره به دست بیاورد.

مت والدمن، محقق منازعه افغانستان در دانشگاه هاروارد به این باور است که بدون تغییر دینامیک‌های منطقه‌ای، پاکستان از حمایت خود به طالبان خودداری نخواهد کرد. او به دویچه وله گفت: «شواهد حاکی است که پاکستان پالیسی خود در قبال افغانستان را تغییر بنیادی نداده است.»

همچنان زیگفرید وولف، کارشناس علم سیاست در دانشگاه هایدلبرگ نیز به همین نظر است. او به این باور است که هنوز هم چندین عضو دستگاه امنیتی پاکستان فکر می‌کنند از طالبان می‌توانند به عنوان ابزار استراتژیک در مقابله با هندوستان در افغانستان استفاده کنند.

هندوستان در کنار آموزش افسران افغانستان، این کشور را در ایجاد زیرساخت‌ها نیز کمک می‌کند. دهلی جدید سال گذشته کمک دو میلیارد دلری به افغانستان را اعلام کرد؛ بزرگترین کمکی که هندوستان به یک کشور دیگر می‌دهد.

با توجه به این تحولات، تحلیلگران اشاره می‌کنند که تنها آموزش افسران ارتش افغانستان در پاکستان نمی‌تواند در مناسبات دو کشور همسایه تغییر ایجاد کند.

طالبان شبیه به تبهکاران...

مخدر، استخراج غیرقانونی معادن، اخاذی برای استفاده از جاده‌ها و آدم‌ربایی با هدف باج‌گیری افزایش داده است.

این کارشناسان افزودند: این روند جدید پیامدهای بسیاری را برای صلح و امنیت در افغانستان در پی دارد چراکه این روند طالبان را ترغیب می‌کند تا با مخالفت با هرگونه روند هدفمند و ارزشمند سازش با دولت جدید کابل، منافع مالی بیشتری به دست می‌آورند.

اشرف غنی، رییس‌جمهوری افغانستان گفت، قصد دارد پس از ۳۰ سال جنگ مداوم صلح را به این کشور بازگرداند و در تلاش است تا طالبان را مزوی کرده و آنها را به پای میز مذاکره بکشاند. این هیات از شورای امنیت خواست تا با تحریم‌های بیشتر مانع طالبان از مشارکت در فعالیت‌های تبهکارانه و خلاف شود.

در حالی که کمک‌های خارجی نقش بزرگی در تامین مالی طالبان ایفا می‌کنند اما به گفته این کارشناسان بخش اعظم منابع مالی طالبان از کاشت تریاک، تولید و قاچاق مواد مخدر، سرمایه‌گذاری درکمپانی‌های افغانی، عملیات‌های پولشویی، آدم‌ربایی برای باج‌گیری، اخاذی از تجار و کسبه افغان و استخراج غیرقانونی منابع طبیعی تامین می‌شود.



از آسمان به زمین

رنال مادرید؛



رنال مادرید در کمتر از ۵۰ روز، دو روی سکه موفقیت و بحران را تجربه کرده است.

به گزارش ایسنا، رنال مادرید موفق شد در جام جهانی باشگاه‌ها که در مراکش برگزار شد عنوان قهرمانی را کسب کند اما درست پس از آن در سراسیمگی سقوط قرار گرفته است. آنها با شکست چهار بر صفر ابتدای هفته مقابل اتلتیکو مادرید در ویسته کالدرون، یکی از بدترین باخت‌های خود در داری‌های مادرید را تجربه کردند. در کمتر از ۵۰ روز، آمار نتیجه‌های رنال مادرید، خود گویای همه چیز است. سه شکست، یک تساوی و پنج پیروزی. ۱۳ گل خورده و ۱۷ گل زده. ۲۸ بازی قبل از آن اما داستانی متفاوت داشت. ۲۴ پیروزی، یک تساوی و سه شکست. ۹۴ گل زده و تنها ۱۸ گل خورده. اکنون باید بگوییم رنال مادرید در این برهه از فصل ۶ شکست را پذیرفته که درست به اندازه کل باخت‌های این تیم در طول فصل گذشته است. پافشاری روی سیستم ۳-۳-۴

هواداران حاضر در سانتیاگو برنابئو به خاطر آنکه گرت بیل روی بازی انفرادی خود تاکید دارد، وی را «هو» می‌کنند. بیل در رویارویی با تیم‌هایی مانند اسپانیول، والنسیا، اتلتیکو مادرید و رنال سویسدا به هم‌تیمی‌هایش پاس نداد تا فرصت‌های گلزنی برای رنال مادرید از دست برود. کارلو آنچلوتی، سرمربی رنال مادرید در واکنش به هو شدن بیل گفته بود: «من سرمربی هستم و هیچ‌کس حقی در این زمینه ندارد. اگر کریستیانو رونالدو، کریم بنزما و گرت بیل آسیب دیده نباشند، در همه بازی‌های رنال به میدان خواهند رفت.» به همین دلیل رنال مجبور است همواره با سیستم ۳-۳-۴ به میدان برود و تنها در مواقعی به ۲-۴-۴ تغییر پیدا کند. زمان‌هایی که یکی از این سه بازیکن، یا آسیب دیده یا محروم باشند. آمار افتضاحی که رنال مادرید مقابل اتلتیکو مادرید (۶ بازی بدون پیروزی) به جای گذاشته است نیز باعث نشده آنچلوتی ذهنیت خود را نسبت به این موضوع عوض کند، حتی پس از شکست سنگین در ویسته کالدرون. «ما با حضور این سه بازیکن در خط حمله‌مان توانستیم لیگ قهرمانان اروپا و جام جهانی باشگاه‌ها را کسب کنیم. انتقاد در مورد حضور این سه در ترکیب رنال می‌تواند بی‌معنا باشد.»

کریستیانو رونالدو

میانگین گلزنی او به عنوان بازیکن رنال مادرید به ۱,۰۳ در هر بازی می‌رسد (۲۸۸ گل در ۲۷۸ بازی). میانگین گلزنی رونالدو در سال ۲۰۱۵ اما به رقم عجیبی رسیده است. میانگین گلزنی او به ۰,۵۷ رسیده است (چهار گل در هفت بازی). او در این هفت دیدار حتی شوت‌های کمتری به سمت دروازه حریفان زده است. ۳,۵ شوت در هر دیدار که نسبت به رکورد پیشین وی که پنج شوت در هر دیدار بود خیلی کمتر است. کریستیانو در دیدار با کوردوبا هم اخراج و پس از آن دو جلسه هم از همراهی تیمش محروم شد. او دیگر مانند قبل بازی نمی‌کند. رونالدو در این مورد می‌گوید: «در فوتبال همیشه لحظه‌های خوب و بد وجود دارند اما یک بازیکن باید بداند چه زمان‌هایی بد بازی می‌کند. شاید من در بهترین شرایط قرار نداشته باشم اما بدون شک در روزهای آینده بهتر خواهم شد.»

آسیب دیدگی‌ها

در طول این فصل ۱۰ بازیکن رنال مادرید با مشکل‌های مربوط به آسیب دیدگی روبه‌رو بوده‌اند. سرخیو راموس، لوکا مودریچ، پهبه، فابيو کونتراو، خامس رودریگس، گرت بیل، سامی خدیو، کارواخال، آلوارو آربلوا و آسیر یارامندی. این اتفاق‌ها درست پس از اخراج پدرو جوئکا، پزشک معتمد باشگاه رنال مادرید و ورود خسوس اولمو، پزشک جدید این تیم رخ داده است.

تمدید قراردادها

رنال مادرید در سال ۲۰۱۴ موفق شد چهار جام را به ویتترین افتخارهایش اضافه کند. لیگ قهرمانان اروپا، کوپا دل ری، سوپرکاپ اروپا و جام جهانی باشگاه‌ها. این اتفاق‌ها موجب شد تا صحبت‌هایی بر سر تمدید قراردادها به وجود آید. صحبت‌هایی مبنی بر سر تمدید

در بازی کرکت

افغانیستان مغلوب هند نتند



تیم ملی کرکت افغانستان در یک دیدار دوستانه در برابر هند شکست خورد؛ در این دیدار نخست هند بازی را آغاز کرد و در پنجاه آور ۳۶۵ دوش را برای افغانستان هدف تعیین کرد؛ اما ملی پوشان افغانستان نتوانستند هدف تعیین شده را به دست آورند و شکست خوردند. ملی پوشان کرکت کشور بازی خوبی از خود به نمایش گذاشتند و در پنجاه آور ۲۱۱ دوش را به دست آوردند.

بزرگترین رویداد کرکت در جهان است و افغانستان برای نخستین بار حضور در این رقابت‌ها را تجربه می‌کند.

این رقابت‌ها با حضور چهارده تیم برتر جهان روز شنبه هفته آینده در استرالیا برگزار می‌شود و افغانستان در نخستین دیدارش در ۲۹ دلو در برابر بنگله دیش به میدان می‌رود.

تیم ملی کرکت کشور در رقابت‌های جام جهانی استرالیا با تیم‌های انگلستان، بنگلادیش، سریلانکا، اسکاتلند، استرالیا و زیلاندا جدید هم گروه است.

قرارداد کارلو آنچلوتی پیش از پایان سال ۲۰۱۴ مطرح شد. این در حالی است که قرارداد این مربی ایتالیایی با قوهای سپید تا سال ۲۰۱۶ اعتبار دارد. اوایل سال جاری نیز نام سرخیو راموس، در حالی که تا سال ۲۰۱۷ قرارداد دارد برای تمدید قرارداد در رسانه‌ها منتشر شد. البته راموس پیشنهادی که باشگاه به او ارائه کرده بود را رد کرد. این شرایط، نگرانی‌هایی را هم برای رافائل واران به وجود آورده است. این بازیکن جوان با حضور راموس و پهبه هیچ امیدی برای قرار گرفتن در ترکیب ثابت رنال را ندارد. پُست مدیر ورزشی در رنال مادرید هم از زمانی که پاردزا این باشگاه را ترک کرده، هنوز خالی مانده است.

عدم انتقاد از خود

«کنار رفتن از جام حذفی برای تیم ما خوب است. اکنون زمان بیشتری برای استراحت جهت شرکت کردن دیدارهای لیگ و لیگ قهرمانان اروپا داریم.» این، صحبت‌های آنچلوتی، سرمربی رنال پس از حذف از کوپا دل ری در نشست خبری بود. «صبر کنید و ببینید در پایان لالیگا چه تیمی در صدر قرار می‌گیرد.» این را هم سرخیو راموس در همان شب به خبرنگاران گفت. «در دریافت گل نخست من مقصر بودم؟ چرا؟ نه اینطور نیست.» ایگر کاسیاس هم پس از شکست چهار بر صفر مقابل اتلتیکو مادرید چنین اظهار نظری داشت. «تیم ما خیلی خسته بود. بازیکنان ما به خاطر آنکه روز چهارشنبه هم به میدان رفته بودند نتوانستند به اندازه کافی ریکاوری داشته باشند. اتلتیکو اما تغییری نکرده بود. شاید هم نتوانسته بود این کار را انجام دهد. در هر حال این‌ها نمی‌توانند بهانه‌های خوبی باشند.» این‌ها هم صحبت‌های کریستیانو رونالدو پس از شکست مقابل اتلتیکو بود. بدون هیچ انتقادی باید بگوییم هیچ‌یک از بازیکنان رنال مادرید نمی‌توانند از اینکه روز قبل را استراحت کرده و در جلسه تمرینی روز بعد هم در ساعت سه بعد از ظهر در زمین تمرینی حاضر شدند ناراضی باشند.

اصرار بر کارهای قدیمی

آسیب دیدگی لوکا مودریچ و خامس رودریگس موجب نشد تا آسیر یارامندی نقشی بزرگتر نسبت به پیش از آسیب دیدگی آنها داشته باشد. او حتی جانشین تونی کروس نیز که در ۹۲ درصد از کل بازی‌های رنال مادرید به میدان رفته نشده است تا این بازیکن آلمانی بتواند استراحت کند. آنچلوتی می‌گوید به یارامندی اعتماد کامل دارد اما پس از آن با لوکاس سیلوا قرارداد بست. یارامندی در این فصل در رتبه پانزدهم بازیکنانی که بیشترین دقیقه‌های حضور در زمین را دارند قرار گرفته است. رنال در سال ۲۰۱۳ یارامندی را با ۳۸,۹ میلیون یورو خرید اما سامی خدیو همواره به او ترجیح داده می‌شود. خدیو که قراردادش در پایان فصل با رنال مادرید تمام می‌شود، در این فصل با آسیب دیدگی‌های زیادی روبه‌رو بوده و از نظر دقیق حضور در میدان تنها بالاتر از خاویر هرناندز، خسته، پاچکو و لوکاس سیلوا قرار دارد. این در حالی است که ۹ بازیکن از رنال مادرید در این فصل بیش از دو هزار دقیقه در زمین حضور داشته‌اند. مورد بعدی خاویر هرناندز است. او در دیدار با اتلتیکو مادرید تنها ۱۸ دقیقه در میدان حضور یافت. این ۱۸ دقیقه درست به اندازه دقیق حضور او در میدان طی ۱۱ دیدار گذشته‌ای است که به میدان رفته است! او زمانی به ترکیب رنال اضافه شد که این تیم سه بر صفر از اتلتیکو عقب بود.

حضور در دوی

نخستین آلام‌ها از افت رنال مادرید زمانی اتفاق افتاد که این تیم برای انجام دیدار دوستانه در تعطیلات نیم فصل راهی دوی شد. رنالی‌ها برای حضور در این دیدار دوستانه مقابل میلان، چهار میلیون یورو از پول‌های نفتی اعراب را به جیب زدند. حضور در دوی، نخستین نشانه‌ها برای افت رنال مادرید و شکست این تیم مقابل والنسیا در مستایا بود. آنها دو بر یک شکست خوردند و پس از آن هم مقابل والنسیا، رکورد ۲۲ پیروزی پیاپی‌شان شکسته شد.



نامزدهای نهایی انتخابات فیفا مشخص شدند

چهار سال دیگر نیز در سمت خود باقی بماند. او اعلام کرده است که پس از پایان این دوره دیگر برای ریاست فدراسیون فوتبال جهان اقدام نخواهد کرد. افزایش اتهامات به بلاتر و فیفا برای فساد در این نهاد و نحوه انتخاب روسیه و قطر برای میزبانی جام‌های جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ باعث شده است تا بلاتر دوران سختی را سپری کرده باشد.

در کنار سب بلاتر، لوتیس فیگو ستاره سابق تیم ملی پرتغال و تیم‌های بارسلونا و رنال مادرید، شاهزاده علی بن ال‌حسین فایفو، شاهزاده علی بن ال‌حسین فایفو، نایب رییس فعلی فیفا و میشل فان پراگ رییس فدراسیون فوتبال هلند نیز دیده می‌شود.

انتخابات فدراسیون بین‌المللی فوتبال فیفا در کنگره این نهاد در روز ۲۹ می ۲۰۱۵ در زوریخ برگزار خواهد شد.



سب بلاتر برای تمدید حضور خود در بالاترین نهاد فوتبالی جهان باید با لوتیس فیگو، شاهزاده علی بن ال‌حسین و میشل فان پراگ رقابت کند.

فدراسیون بین‌المللی فوتبال روز سه‌شنبه اسامی چهار نامزد نهایی ریاست این فدراسیون را اعلام کرد.

سب بلاتر، رییس فعلی فدراسیون بین‌المللی فوتبال از سال ۱۹۹۸ در این سمت فعالیت کرده است و قصد دارد



زیدان، سرمربی بعدی رنال مادرید



بازیکن پیشین رنال مادرید از زین الدین زیدان به عنوان سرمربی بعدی این تیم نام برد.

خوزه میگل گونسالس از این که کارلو آنچلوتی در حال حاضر بهترین گزینه برای به دست داشتن هدایت رنال مادرید است، صحبت کرد و گفت این باشگاه در حال آماده کردن زین الدین زیدان برای مربیگری در سانتیاگو برنابئو است. زیدان اکنون سرمربی تیم دوم رنال مادرید یعنی رنال کاستیا است.

گونسالس در این زمینه به الیت اسپورت گفت: بدون شک من گزینه بعدی رنال مادرید برای مربیگری نیستم. البته این بدان معنا نیست که توانایی انجام این کار را ندارم و یا این که نمی‌خواهم در رنال مربی باشم اما این موضوع به من بستگی ندارد. فکر می‌کنم زیدان مربی بعدی این تیم باشد.

سرمربی پیشین سویا در ادامه عنوان کرد: در حال حاضر آنچلوتی بهترین

گزینه برای به دست داشتن هدایت رنال است. کارلتو با روسای باشگاهی مانند سیلویو برلوسکنی و رومن آبراموویچ کار کرده است و می‌داند در شرایط بد چطور باید تیمش را کنترل کند.

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری و محمد هارون مجیدی
 برگ آرای: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1475 Wednesday 11 February 2015

DAILY

Mandegar

نعیم ایوب زاده رییس تیفه گفتگو با ماندگار:

اگر اصلاحات به میان نیاید ما شاهد بحران دیگری خواهیم بود

گفت و گو کننده: هارون مجیدی

علت‌های به بحران کشیده شدن انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ چه بود؟

با تشکر از شما. نبود اراده سیاسی در برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه در دولت حاکم؛ ضعف مدیریتی نهادهای انتخاباتی؛ ناامنی؛ مداخله حکومت در پروسه انتخابات؛ مراعات نکردن سه اصل بزرگ در نهادهای انتخاباتی که عبارت از: استقلالیت، بی‌طرفی، مسلکی بودن. نبود لست دقیق رأی‌دهنده‌گان و این‌که در محلات مشخص شمار دقیق رأی‌دهنده‌گان مشخص نشده بود. کیفیت پایین کارت ثبت نام؛ مشخص نبودن محلات رأی‌دهی در شماری از ولایات؛ محلات خیالی؛ نبود برنامه‌ریزی معیاری و دقیق؛ شیوه استخدام مسوولین و کارمندان در کمیسیون‌های انتخاباتی. در نهایت نامزدان تنها به منافع خود فکر می‌کردند و برای تقویت پروسه انتخابات و روند مردم‌سالاری در کشور توجه نداشتند. این‌ها از مشکلاتی بود که سبب به بحران کشیده شدن انتخابات ۱۳۹۳ خورشیدی در کشور شد.

آیا کسانی که در انتخابات ۱۳۹۳ خورشیدی خود را نامزد کرده بودند، به این پروسه باور نداشتند و تنها به برنده شدن فکر می‌کردند؟

باور به این بود که تنها باید برنده شوند و در قسمت خدمت‌گذاری، تقویه پروسه انتخابات و روند مردم‌سالاری در کشور هیچ‌گونه توجه نداشتند.

با دلایلی که شما یاد آور شدید، نهادهای انتخاباتی نیاز به اصلاحات دارد و یکی از اولویات‌های کاری رهبران دولت وحدت ملی هم اصلاح نهادهای انتخاباتی است. این اصلاحات در کدام بخش‌ها باید به میان آید؟

باید روی سه عنصر کلیدی کار صورت گیرد: اول اینکه اراده سیاسی برای برگزاری انتخابات شفاف در افغانستان وجود داشته باشد؛ دوم، امنیت به شکل شاید و باید آن در سطح ولسوالی‌ها و قریه‌ها تأمین شود و سوم، تغییرات تخنیکی و تغییرات اساسی در نهاد و افراد به وجود بیاید. تغییرات در افراد از کمیشنرها شروع و الی مسوولین ولایتی ختم شود. باید روشن ساخته شود که چه کسانی نتوانسته کار کنند و چه ضعف‌هایی از خود داشته‌اند. تغییرات در بخش تخنیکی بر می‌گردد به برنامه‌ریزی‌ها، کار شیوه، قانون انتخابات و قانون تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون انتخابات. سیستم ارتباطات بین دفتر مرکزی و دفاتر ولایتی کمیسیون انتخابات و روند استخدام کارمندان از مواردی است که باید تغییر کند که با این تغییرات ما شاهد برگزاری انتخابات بهتر در افغانستان باشیم.

اگر این اصلاحات تنها منحصر به تبدیل چند چهره در کمیسیون‌ها باشد، این امر برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه بسنده است؟

ما اصلاحات را به دو مرحله تقسیم کرده‌ایم: یکی در کوتاه‌مدت و دیگری در درازمدت. اصلاحاتی که در بالا از آن یادآوری کردم در کوتاه‌مدت است و تنها برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی در نظر گرفته شده است.

اگر به اصلاحات بنیادی فکر کنیم، کارهایی است که باید



صورت گیرد، یکی از این کارهای اساسی روند رأی دهی در انتخابات است. بعد از آن داشتن لست شمار دقیق رأی دهنده‌گان و تعیین افراد در محلات مشخص که ما در چند دور انتخابات تنها یک لست از شمار رأی دهنده‌گان داشته‌ایم. تا هنوز لست دیگری در این زمینه ترتیب نشده است.

کار دیگری که باید صورت گیرد این است که نهادهای انتخاباتی را باید به یک مرجع پاسخگو تبدیل کرد، تا این‌که اشتباهی اگر صورت می‌گیرد، روی آن کار شود. کار دیگری که باید صورت گیرد این است که مشخص شود کسی که در پروسه انتخابات تقلب می‌کند به چه کیفی برسد و کدام محاکم به این جرم رسیده‌گی کند.

اصلاحات دیگری هم نیاز است که باید صورت گیرد؛ اما در پنج‌سالی که پیش روی داریم، اگر این اصلاحات صورت گیرد، امیدواری‌هایی به میان خواهد آمد.

در جریان روزهای گذشته یکی از مسوولان کمیسیون انتخابات در صحبت با رسانه‌ها گفت: نهادهایی که در صدد به میان آمدن اصلاحات در کمیسیون اند؛ تلاش دارند تا خود عضویت کمیسیون انتخابات را به دست آورند، نگاه شما به این گفته‌ها چیست؟

به دیدگاه شخصی و سلیقه‌یی هر فرد احترام می‌گذارم که در یک نهاد کار می‌کند؛ اما، همیشه علاقه‌مند هستم زمانی که کسی صحبت می‌کند دیدگاه سازمانی خود را شریک سازد، بحث این‌که آنها مطرح کرده‌اند هیچ‌گاهی وجود نداشته،

تلاش ما از تضمین شفافیت در پروسه انتخابات است که باید صورت گیرد؛ اما هر زمانی که به همکاری ما نیاز شود ما در کنارشان قرار می‌گیریم که بحث موقف مطرح نیست و ما مصمم هستیم تا روند انتخابات را حمایت کنیم. چه هم‌آهنگی میان نهادهای نظارت‌کننده از پروسه انتخابات وجود داشته تا سبب نظارت بهتر از این پروسه شود؟

بیشتر از هفت هزار نهاد در افغانستان است، ولی دو نهادی که به شکل مسلکی و معیاری از انتخابات نظارت کرده، نهادهای فیفا و تیفه است که ما هم‌آهنگی‌های زیادی در جریان پوشش و آموزش میان هم‌دگر داشتیم و ما تلاش داریم تا در جهت منافع ملی و بهتر شدن پروسه انتخابات کار کنیم.

ما در این انتخابات نظارت بهتر نسبت به انتخابات‌های گذشته داشتیم که متأسفانه این روند به چالش کشیده شد و در این میان کارهای ما یک مقدار تحت تأثیر این جو قرار گرفت.

چرا مسوولان در کمیسیون‌های انتخاباتی از اصلاحات می‌هراسند؟

این که چرا می‌هراسند بر می‌گردد به خودشان. بهتر است در این زمینه خود پاسخ گویند؛ اما این اصلاحات در اداره است و این اصلاحات باید ایجاد شود که اصلاحات به خاطر دو هدف صورت می‌گیرد:

۱- برای بهبود روش‌ها و میکانیسم‌ها برای برگزاری یک انتخابات شفاف و سالم.

۲- این اصلاحات به خاطر اعتماد مردم به پروسه انتخابات صورت می‌گیرد.

یکی از موارد درشت در توافق‌نامه دولت وحدت ملی، اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی بود که هر دو رهبر تعهد سپردند که با به میان آوردن کمیسیون اصلاحات نهادهای انتخاباتی، به اصلاحات می‌پردازند اما چرا این رهبران بعد از گذشت نزدیک به پنج ماه از ساختن این دولت تا هنوز این اصلاحات را به میان نیاوردند؟

پروسه تصمیم‌گیری در دولت وحدت ملی بسیار کند است. به شکل ابتدایی کارها آغاز شده و ما نیز با آنان چندین جلسه داشتیم و دیدگاه‌های خود را شریک ساختیم که این روند سبب شده است تا رهبران دولت نتوانند کمیسیون اصلاحات نهادهای انتخاباتی را به میان آورند.

با تمامی مشکلاتی که شما از آن یادآوری کردید، اگر رهبران دولت وحدت ملی نتوانند اصلاحات لازم را در کمیسیون‌های انتخاباتی به میان آورند؛ بار دیگر مردم به پروسه انتخابات اعتماد و باور خواهند کرد؟

اگر اصلاحات در کمیسیون‌ها و پروسه انتخابات وارد نگردد، یک بحران دیگر ایجاد خواهد شد که دموکراسی به چالش مواجه خواهد شد، حمایت جامعه جهانی در بخش انتخابات قطع شده و بار دیگر کرسی‌ها بر بنیاد مصلحت‌ها به میان خواهد آمد و مردم به دولت و پروسه انتخابات اعتماد و باور نخواهند داشت، بسیار دشوار خواهد بود که بدون اصلاحات ما شاهد برگزاری انتخابات سراسری و حضور گسترده مردم در آینده باشیم.

زن ۱۹ ساله قربانی تجاوز جنسی در جوزجان:

متجاوزین اعدام شوند

زن ۱۹ ساله‌یی که در ولایت جوزجان بر او تجاوز گروهی شده است، از حکومت عدالت می‌خواهد. این زن هشدار می‌دهد که اگر حکومت عاملان تجاوز بر او را بازداشت نکند و به دادگاه نکشاند، خودکشی خواهد کرد.

به گزارش طلوع نیوز، در همین حال پولیس جوزجان می‌گوید که در پیوند با این رویداد دو مرد بازداشت شده‌اند و تلاش‌ها برای گرفتار کردن سه متهم دیگر ادامه دارد.

این زن ۱۹ ساله سایره نام دارد و پنج مرد تفنگدار شبه شب در روستای حسن‌آباد شهر شبرغان مرکز ولایت جوزجان به خانه‌اش حمله کرده و بر وی تجاوز گروهی کردند.

سایره می‌گوید که سه و نیم سال از ازدواجش می‌گذرد و هشت ماهه باردار است.

این زن تجاوز بر خودش را ستمی نابخشودنی می‌داند و از رهبران حکومت وحدت ملی می‌خواهد تا تجاوزگران را گرفتار و محاکمه کند.

سایره می‌گوید: «اینها مگر ناموس ندارند، مگر مادر و خواهر ندارند که چنین عمل ناشایستی را انجام می‌دهند؛ من از نهادهای مسئول می‌خواهم کسانی که بر من تجاوز کرده‌اند را اعدام کنند».

وی ادامه داد: «اگر حکومت آنان را اعدام نکند و من خودکشی می‌کنم و در قصه‌ی پدر، شوهر و طفلکم نخواهم بود».

محمدحسن شوهر سایره است؛ او هفت سال می‌شود که در ارتش ملی خدمت می‌کند.

وی در هنگام وقوع این رویداد در ولسوالی غورماچ یکی از بخش‌های ناام ولایت فاریاب مشغول خدمت به میهن بود.

او خاطر نشان کرد: «ما از دولت می‌خواهیم که عاملان این رویداد را گرفتار و آنان را اعدام کند».

پدر سایره که نشانه‌های لت‌وکوب تجاوزگران بر چهره و بدنش نمایان است با دختر و دامادش به فرماندهی پلیس جوزجان آمده است و می‌گوید که تجاوزگران نخست دست و پای او را بستند و سپس بر دخترش تجاوز کردند.

طلا پدر سایره تصریح کرد: «ما خو ماندنیش نیستیم و از دولت هم می‌خواهیم که عدالت را مراعات کند و این مردان را گرفتار کند و به پنجه‌ی قانون بسپارد تا دیگران عبرت بگیرند».

پولیس می‌گوید که دو مرد را در پیوند با این رویداد بازداشت کرده است و تلاش‌ها برای گرفتاری سه فراری دیگر ادامه دارد.

جنرال فقیرمحمد جوزجان فرمانده پلیس جوزجان می‌گوید: «سه شب پیش پنج مرد به این زن باردار تجاوز کردند و فراری شدند که خوشبختانه دو مرد آن گرفتار و سه تن دیگرشان نیز به زودی گرفتار می‌شوند و به پنجه قانون سپرده می‌شوند».

این درحالی است که شش ماه پیش نیز پولیس جوزجان در پیوند با تجاوز گروهی بر یک زن شش تن را بازداشت کرده بود؛ اما پس از برگذاری دادگاه دو تن از تجاوزگران براءت گرفتند و چهار تن دیگرشان هر کدام به ۱۶ سال زندان محکوم شدند.

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$ 60	\$ 48	\$ 36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
3	بنر در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$ 70	\$ 56	\$ 42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$ 350	\$ 280	\$ 210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$ 100	\$ 80	\$ 60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200